

# روزهای اول ماه مرداد کارگر

شنبه ۲۴  
چهارشنبه ۲۵  
پنجشنبه ۲۶  
جمعه ۲۷

## کارگر امروز

نشریه انتربنادیستی کارگری

**WORKER TODAY**

An Internationalist Worker's Paper

Vol.4, Nos.45&46, March/April 1994

سال چهارم، شماره ۴۵ و ۴۶، اسفند ۷۲ و فوریه ۱۳۷۳

### ۲ درصد افزایش دستمزد نتیجه اعتضابات کارگران آلمان

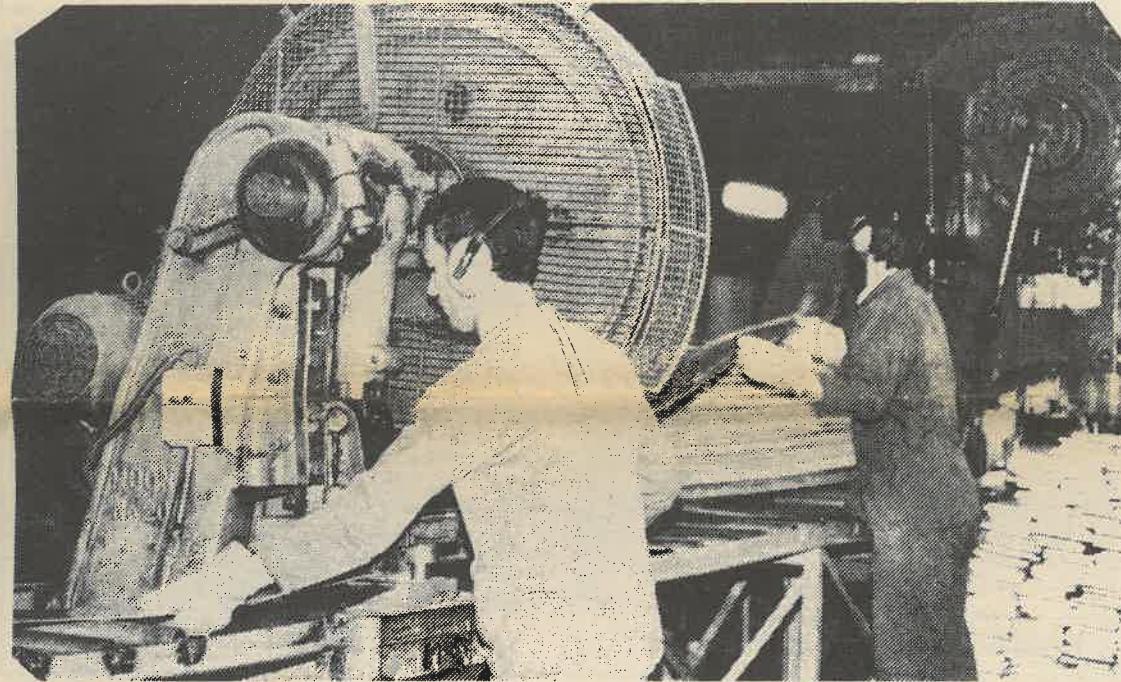
صفحه ۷

### ۲۲ درصد حداقل دستمزد، دعوت کارگران به مبارزه است

حسین کمالی وزیر کار:

\* در شرایط اقتصادی کنونی حداقل سبد هزینه مصرفی بالغ بر ۴۰ هزار ریال است اما حداقل دستمزد کارگران بین ۱۱۰ تا ۱۳۰ هزار ریال برآورد میشود.

\* تاکنون حدود ۹۰ هزار پرونده کارگران اخراجی مورد بررسی قرار گرفته که از این تعداد رای ۷۲ هزار به نفع کارفرماها صادر شده است.



در رابطه با تصمیم شورایعالی کار شوراهای اسلامی از زبان یکی از نایابنگاش ضمن غرو لند اظهار امیدواری کرد شورایعالی کار در سایر موارد مربوطه از جمله افزایش حق مسکن بتواند بخشی از آنرا جبران کند. سرمایه داران حریص آنرا زیاد دانستند و زبان به اعتراض گشودند. برای کارگران خشمگین تصمیم شورایعالی کار دعوت کارگران برای مبارزه حول افزایش دستمزد در سال ۷۲ است. بقیه در صفحه ۲

### موج اعتضاباتمعدنچیان در روسیه

وزیر با اعتراضی مشابه دست از کار کشیدند. در هفته اول ماه مارس، ۱۱ هزار کارگر معدن دست از کار کشیدند. وزیر کار اعلام کرد که بیان هنگفتی جهت پرداخت حقوق کارگران به مناطق فرستاده شده اما اما به "دلایل ناروشنی" هنوز بست کارگران نرسیده است! سرانجام در روز ۱۴ مارس، بخشی از کارگران حقوق ماه دسامبر و زانویه را دریافت کردند. علیرغم پرداخت بخشی از حقوق های پتعیین اتفاق کارگران بعضی از معدن اعتراض خواش را تا حد خواست برکاری دولت گشترش دادند. قرار است رهبران معدنچیان برای برنامه ویژی اعتضابات آئی با یکدیگر دیدار کنند. \*

### اعتضاب معدنچیان برای آزادی فعالیت سیاسی

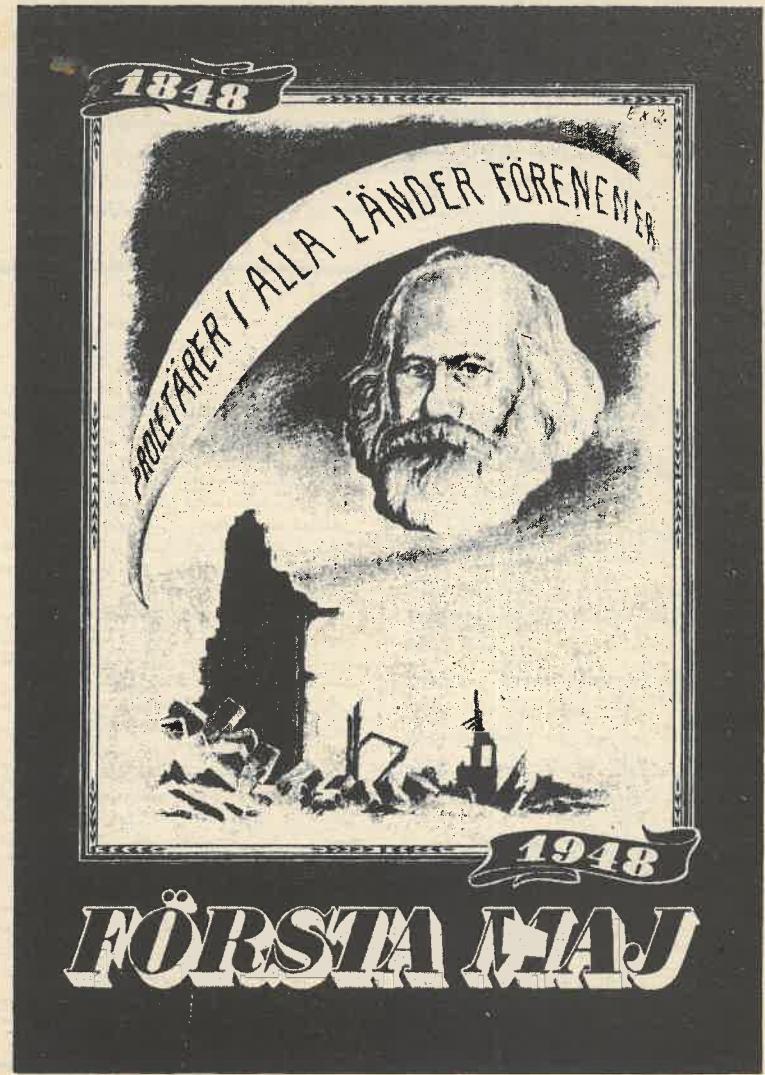
مرکز خبری کارگر امروز: از اواسط ماه فوریه، معدنچیان روسیه اعتضابات متعددی را در اعتراض به عدم پرداخت حقوق خود و همچنین بیکارسازی های وسیع در معادن سازمان دادند. به گزارش خبرگزاری رویتر، معدنچیان زغال سنگ که ستتا رادیکال ترین گروه کارگران هستند در منطقه کوزیاس کار را متوقف کردند. وزیر نیز پلاقالله به کارگران قول داد که پرداخت حقوق های پتعیین اتفاق دادند. و زیر نیز پلاقالله به کارگران قول نمایه تیومن کیته اعتضاب تشکیل دادند و دولت را تهدید کردند که در اعتراض به تعویق پرداخت حقوقها، در مورد یک اعتصاب رای گیری خواهند کرد. معلمین شکایات خود را به کمپانی دادند که یکی از آنها اعتراض به منعیت فعالیت سیاسی کارگران در محدوده معادن بود. کمپانی شکایات کارگران را بی جواب گذاشت و این مسئله به اعتضاب منجر شد. \*

میزگرد جمعی از رهبران  
اتحادیه بیکاران کردستان عراق  
برای بررسی اختلافات درونی اتحادیه

صفحه ۱۷

انتشار کارگر امروز  
به زبان عربی

صفحه ۲





## بخشنامه افزایش حداقل دستمزد کارگران در سال ۱۳۷۳

گرفت (بابت کارگران متاحل یا معیل ماهانه ۷ هزار ریال و کارگران مجرد ۲ هزار ریال توسط کارفرما به حساب اتحادیه امکان پذیر نیشود).

۵- کارگاههایی که دارای نظام کارمزدی هستند نخوه چگونگی افزایش مقرر در بند یک و تاثیر آن بر روی بخش ثابت مزد و ملاکهای کارمزدی مطابق با دستورالعمل اداره کل طبقه بندي مشاغل مزد و بهره وری میباشد.

۶- کارگاههایی که خاقد طرح طبقه بندي مشاغل طبق نظام ارزیابی مصوب وزارت کار و امور اجتماعی میباشند. افزایش مزد ناشی از ارتقای طبقه، مطابق سالهای قبل دستورالعمل پیوست صورت خواهد گرفت.

۷- مقررات این مصوبه شامل حال داشت آموزان و دانشجویانی که ایام تعطیلات تابستانی سال ۱۳۷۳ به طور موقت در کارگاهها اشتغال میباشدند نخواهد شد.

۸- هرگونه افزایش مزد و مزايا خارج از ضوابط این مصوبه در صورت توافق طرفین و یا رعایت موقعیت منطقه و وضعیت اقتصادی کارگاه در قالب پیمانهای دسته جمعی پس از تایید وزارت کار و امور اجتماعی بالامانع است.

کارمزد متاحل یا معیل در ماه در این بند عبارت از مزد ثابت به اضافه کمک هزینه مسکن، خواربار و عائله مندی بعلاوه حد متوسط کار مزد در آخرین ماه کار وی میباشد.

تبصره ۲- منظور از کارگر متاحل در این مصوبه کارگری است که دارای همسر بوده و کارگر معیل کسی است که طبق قانون افزایی را تحت تکفل داشته باشد.

۳- در سال ۱۳۷۳ به کلیه کارگران مبلغ ۸۰ ریال روزانه حق سنتوات پایه پس از گذشت یکسال خدمت از تاریخ پرداخت آخرين سنتوات (پایه) و یا گذشت یکسال خدمت از تاریخ استخدام در سال ۷۲، تعلق میگیرد که بایستی به مزد آنان اضافه شود.

تبصره یک- اعطای پایه به کارگران مشمول طرحهای طبقه بندي مشاغل مصوب وزارت کار و امور اجتماعی مطابق با ضوابط طرح مربوط به کارگاه میباشد.

تبصره دو- به کارگران فعلی به نسبت مدت کارکردشان در طول سال ۱۳۷۲ میزان مقرر در این بند یا تبصره یک آن تعلق میگیرد. ۴- پرداخت بن کالای اساسی به کارگران در سال ۱۳۷۳ همانند سال قبل صورت خواهد

حداقل مزد روزانه کارگر مشمول قانون

کار در سراسر کشور از تاریخ ۷۳/۱/۱ (با اعمال فرمول ۱۰ درصد افزایش نسبت به حداقل مزد سال ۷۲ به اضافه ۶۰۰ ریال) معادل مزد ۲۸۹۹ ریال تعیین میگردد.

همچنین سایر سطوح مردمی نیز به مأخذ روزانه ۱۰ درصد مزد ثابت یا مزد مبتدا به اضافه ۱۰۰ ریال افزایش میباشد.

تبصره ۱- کارفرمایان صنوف مختلف به رعایت حداقل تعیین شده میباشند.

تبصره ۲- اعمال افزایش مذکور در این بند در مورد واحدهای که دارای طرح طبقه بندي مشاغل مصوب میباشند طبق دستور العمل اداره کل طبقه بندي مشاغل مزد و بهره وری میباشد.

۲- کلیه کارگاهها در سال ۱۳۷۳ موضعند مادامیکه مجموع دریافتی هر کارگر مشمول طرحهای طبقه بندي مشاغل مصوب وزارت کار و امور اجتماعی مطابق با ضوابط طرح مربوط به کارگاه میباشد. (حق یمه) کتر از ۱۳۱۸۰ ریال خالص در ماه ترمیم و پرداخت نمایند. این ما به تفاوت که عنوان آن ترمیم دریافتی است چه، ثابت مزد ثابت یا مزد مبتدا محاسبه نمیگردد.

تبصره یک- مجموع دریافتی کارگر

## اندر باب رفع و مشکلات سرمایه داران بازگشته به وطن

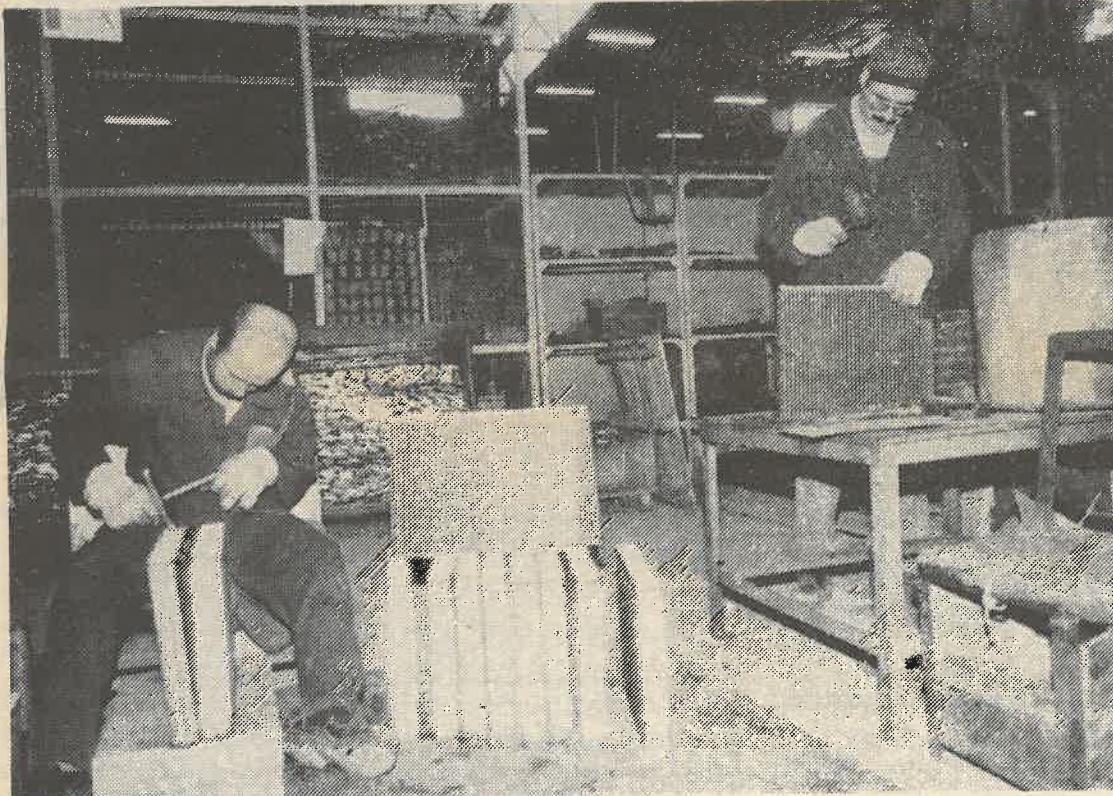
مطلوب زیر تلخیص شده از مقاله ای است با نام "بنیاد مستضعفان کارخانجات مصادره ای را یکی یس می دهد" که در نشریه "تیمروز"، چاپ اروپا، شماره ۲۲۱، ۲۸ آبان ۷۲، به چاپ رسیده است و ما آنرا بدون شرح درج میکنیم تنها با ذکر این نکته که: در رویارویی مدیر بازگشته به وطن قرار گرفته که کارگران حق تشكیل و اعتضاد ندارند تا برای افزایش دستمزد مبارزه کنند، کم کاری، اگرچه نه بهترین راه، معمول ترین راه مبارزه است: سرمایه داران واندو میکنند که به کارگران دستمزد کافی می دهند، کارگران هم واندو میکنند که به اندازه کافی کار میکنند.

"شروع بازگشت ایرانیان به داخل کشور و درخواست اعاده اموال و شرکهای مصادره ای، فعالیت بنیاد مستضعفان را که با ۸۰۰ شرکت مصادره ای چهارده سال است که به غارت بیت المال پرداخته و اموال مردم را بالا می کشد، زیر سوال بوده است. عدم مدیریت صحیح در کارخانجات مصادره ای باعث شده است که بیشتر این کارخانجات که در رژیم گذشته سود ده بوده اند، در حال حاضر چاره ای بشوند و بنیاد که نمی توانند چاره ای بر مفضل این کارخانه ها بینندیش، یا آنها را تعطیل میکنند و یا در صورت بازگشت صاحبان اصلی آنها، به ایشان باز میگردند. متفاوت در این کار با تر دستی بعنوان چهارده سال حق نگهداری کارخانه، از صاحبان کارخانجات کلاشی میکند و مقادیر معتبرابهی بابت این حق نگهداری از آنها طلب می نماید.

بعضی از صاحبان این کارخانجات که به اميد گرفتن املاک و اموال خود به تهران برگشته اند در مقابل مطالبه این

### حداکثر مزد و حقوق مشمول کسر حق یمه تعیین شد

در دویست و پنجاه و شصتین جلسه شورایعالی تامین اجتماعی مقرر شد که حداکثر مزد و حقوق مشمول کسر یمه همه ساله با توجه به افزایش مزد و حقوق طبق مصوبات شورایعالی کار افزایش نیاید. لذا در سال ۷۳ با توجه به میزان تعیین شده حداقل دستمزد سراسری کارگران، حداکثر مزد و حقوق ماهانه مشمول کسر حق یمه به مبلغ ۳۲۷ هزار و ۲۰ ریال تعیین شد. \*



کارگران کارخانه رادیاتورسازی

### نامه های رسیده

علی محمدیان، شمۀ هداحسان کاوه ۲۰ نامه، محمود چوانسردی، آرام، علی فرهنگ، عبدالجلیل پیران، جمعیت اقلایی زنان افغانستان، محمود، علی گنجعلی، محسن، م. کسری، شورای پناهندگان ایرانی در ترکیه، امان، جاوید سلامی ۲۰ نامه، کتابخانه ایرانیان در اشتوتگارت، جامعه معلمان ایران، باقی فرجی، اسماعیل مولودی، رستگار شعبانی، ح. رحیم، ر. یزدان پرست، آسو حامدی، منصور پیانی، امیر پیام ۲۰ نامه، بهار، نادر بکتاش، محسن سلیم (۲۰ نامه)، مختار محمدی، داریوش قزوینی (۲۰ نامه)، مختار محمدی، نیکنام، شری احمدی نیا، پیر احسان، بهرام رحمانی، طها امین، سیامک شاععی، کامبیز، هادی شمس حائری، کمیته همبستگی با پناهندگان و مهاجران عراقی در ترکیه،

### کمکهای مالی رسیده

لیلا و سلیمان ۲۰۰ کرون، شیرین و غفار ۱۰۰ کرون، اسی و م. ستاره ۴۰ مارک، آسو حامدی ۱۰ گلدن، رستگار شیبانی ۱۵ کرون، طها هدواری ۶۰ کرون، محسن ابراهیمی ۵ دلار.

### نشریات رسیده

- همبستگی، نشریه فرداسیون سراسری شوراهای پناهندگان و مهاجرین ایرانی، شماره ۴۷ - پیام زن، نشریه جمعیت اقلایی زنان افغانستان، شماره های ۲۵، ۲۶ و ۳۶ و ضمیمه آن - پیام زن، نشریه اقلایی زنان افغانستان، شماره ۲۷ - دفتر های کارگر سوسیالیستی، شماره ۲۰ - پرسنل اتحاد، نشریه گروه بسوی اتحاد، شماره ۴ - کردستان، ارگان کمیته مرکزی حزب دموکرات کردستان ایران، شماره ۲۰۵-۲۰۶ - پیشره، ارگان سازمان کردستان حزب کمونیست ایران، کومله، شماره های ۴۷-۴۸ - رسانه، نشریه تشکیلات خارج کشور جزب کمونیست ایران، شماره ۷۱ - نرده خلق، ارگان سازمان چریکهای بیکارسازی کارگران است. پیوشه اینکه با اخراجهای وسیع اخیر کارگر آلتنتایو دیگر نمی بیند و ناگزیر به اجزای این طرح تن میدهد.

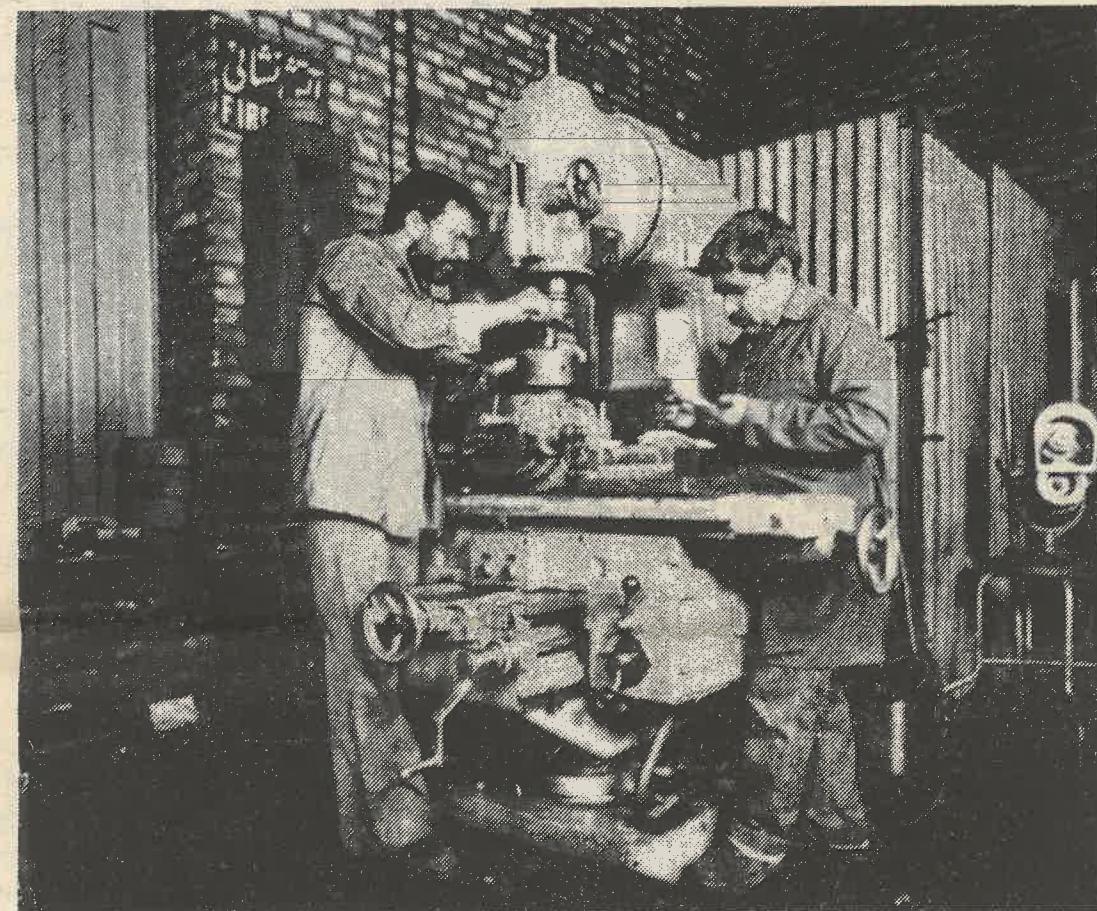
### آدرس کمیته های همبستگی کارگری

کمیته بین المللی همبستگی با کارگران ایران	همانگ گذشته: رضا مقلم
آدرس: ILSC BM Box 1919 London WC1N 3XX England	آدرس: ICSIW Box 6278 102 34 Stockholm Sweden
کمیته همبستگی کارگران ایران و ایرلند	همانگ گذشته: مهدی آزادی
آدرس: I.A.S. Postfach 570 1151 Wien Austria	آدرس: ISASK Box 4082 121 04 Johanneshov Sweden
کمیته همبستگی کارگران ایران و کانادا	همانگ گذشته: مرتضی انصاری
آدرس: ICLSC P.O.Box 1228 Stn. Q Toronto Ont. M4T 2P4 Canada	آدرس: S.K.I. Box 1715 2300 Copenhagen S Denmark
کمیته همبستگی کارگران ایران و فنلاند	همانگ گذشته: پژوهی عزیزیان و روبرو عارضی
آدرس: - Parolantie 23 as 24 13130 Hameenlinna Finland	آدرس: P.O. Box 241412 L.A. CA 90024 USA
کمیته همبستگی کارگر ایران، فرانسه	همانگ گذشته: علی جوادی
آدرس: Postfach 180 468 60085 Frankfurt/M. Germany	آدرس: -
کمیته همبستگی کارگر ایران و ترکیه	همانگ گذشته: رضا شهسازان
آدرس: Reza Box 58 148 00 Osmo Sweden	آدرس: CSOI Mr Tary P.R. 38 Blvd. Strasbourg 75010 Paris France

نامه‌ای از ایران

## گزارشی از بیکارسازی‌های اخیر در کارخانه پارس الکتریک

میگذارد، برق گرفتگی، تصادف با وسائل متغیرک در کارگاه، پرتتاب شدن از دکلهای ماندن زیر آوار ناشی از خرابی یک بخش ساختمان، گیر کردن لباس یا وسایل در ساختمان، گیر کردن ریز لباس یا وسایل در قفاله ها یا دستگاههای مکش و فرو رفتن دست یا بدن کارگر، واژگون شدن وسایل نامطمئن بر روی کارگر، گیر کردن دست یا سنتگین از سکوهای متغیرک یا پایه های انگشتان در لایلای چرهای دندن ای تسمه ها و قفاله ها، انفجار وسایل کار مانند کپسولهای کاز یا اشیاء تحت فشار، سرخوردن و غلظیدن در مواد سوزنده یا مواد مشابه، ریزش و انفجار معنون و... این ها و هزار مورد دیگر از قلم افتاده هر روزه بر سر راه کارگران کمین کرد، و از کارگران قربانی میگیرد.



## گزارشی از کارخانه سویا

است. شرایط سخت کار در این کارخانه باعث شده که کارگران جدید اکثر پس از چند ماه از کار استعفا بدهند

### دستمزد کارگران

پایه حقوق کارگران استخدماتی در این کارخانه در سال ۷۱ ۷۷۰۰ تومان بود که در سال ۷۲ حدود ۲۱۰۰ تومان به آن اضافه شد. مزایای کارگران شامل فوق العاده شغل، حق فنی، حق خواربار، حق مسکن، حق سختی کار، حق اولاد حق نوبت کاری، حق شبکاری، حق اضافه کاری میشود.

ساختمان موتارتانخ و سوزن جراحی و بخش های اداری است. بیشترین فشار کار در قسمتهای موتارتانخ ماشین و بسته بندی با دستگاه است. کارگران در این بخش ها از ناراحتی های عصبی، درد کمر و گردن رفع میبرند. حق سختی کار کارگران هر قسمت متفاوت است و برای مثال به کارگران موتارتانخ دستمزد دستی ۳۰۰ تومان، موتارتانخ ماشینی ۵۰۰ تومان، بسته بندی با دستگاه ۵۰۰ تومان و بسته بندی نهای ۳۰۰ تومان حق سختی کار پرداخت میشود. در ساختمان دستگاه جراحی بعلت گرما و رطوبت زیاد، بیو بد و ایستادن مدام در کار قالب ها شاهد وحشیانه ترین فشارها به خود و فرزندانشان باشند ولی کارخان را از دست ندهند. گفته میشود که مدیریت تصمیم دارد که در کل شیرخوارگاه و مهد کودک کارخانه را اخراج شده و تحت انتظام فشارها ناجا به کارگران به ادامه دارد و بسیاری از کارگران به دلیل شرایط بد اقتصادیشان ناجارند و همچنان شدند که خود بیکارسازی از این راه اندیزی آن احتمالاً به سال ۷۳ مسکوک گردد که خود بیکارسازی تعدادی دیگر از کارگران را بدنبل خواهد داشت.

کارخانه پارس الکتریک در کل حدود ۴۰۰ نفر از مادران علیرغم میل خود و علیرغم شرایط بد زندگیشان ناجا به استعفا شده اند. در این میان مادرانی که به وضع بد فرزندانشان معتبر شده اند بلااصله از کار اخراج شده اند. هم اکنون این فشارها به مادران شاهد وحشیانه ترین فشارها به خود و فرزندانشان باشند ولی کارخان را از دست ندهند. گفته میشود که مدیریت تصمیم دارد که در کل شیرخوارگاه و مهد کودک کارخانه را تعطیل کند. در متن این فشارهایت که سیاست بیکارسازی کارگران و تعدیل نیروی انسانی در این کارخانه به اجرا گذاشته میشوند که ۴۰ الی ۴۰ درصد کارگران

## فشارهای بیشتر برای اخراج پناهندگان افغانستانی از ایران

مرکز خبری کارگر امروز: احمد حسینی مدیر کل دفتر امور اتباع و مهاجرین خارجی طی یک گفتگوی مطبوعاتی اعلام کرد که پناهندگان افغانی باید تا سال ۷۴ از ایران خارج شوند. تلاش برای اخراج میلیونها افغانی ساکن در ایران که غالباً کارگرند، از یکسان پیش با همکاری سازمان ملل متعدد آغاز شد. بنا به آمار راهه شده توسط حسینی، از ۳ میلیون مهاجر افغانی مقیم ایران، ۳۲۰ هزار نفر مهاجر افغانی در ایران وجود دارد که باید تا پایان سال ۹۴ از ایران خارج شوند. ایران که حاضر نیز کارگران افغانی در تلاش برای اخراج افغانیها در حالیست که در حال حاضر نیز کارگران افغانی در جستجوی کار میجنان به ایران مهاجرت میکنند. حسینی اعلام کرد از ابتدای سال ۹۴ میلادی با افغانیهای فاقد کارت شناسایی طبق قانون ورود و اقامت اتباع خارجی برخورد خواهد شد. بعبارت دیگر اینکونه افراد بازداشت و به زور روانه مزها خواهند شد.

## تصحیح و پوزش

در شماره ۴۲ و ۴۳ کارگرامیروز نام صدیق جهانی مصاحبه کننده با "احمد محمد کریم" از فعالین جنبش کارگری افغانستان، اشتباہ درج شده بود که بدینوسیله تصحیح میشود.



کارخانه دارای بخش های سالن منابع تولید و موتارتانخ و بسته بندی، ساختمان دستگاه جراحی که خود شامل آزمایشگاه، مواد سازی، تولید و تست دستی و تست با دستگاه، و بخش بسته بندی است، و

### بخش‌های مختلف کارخانه و شرایط کار آن

کارخانه دارای بخش های سالن منابع تولید و موتارتانخ و بسته بندی، ساختمان دستگاه جراحی که خود شامل آزمایشگاه، مواد سازی، تولید و تست دستی و تست با دستگاه، و بخش بسته بندی است، و

# کارگران امروز

کمونیسم کارگری بود و هست که کل کمونیسم بیرونیاتی را به تقدیم کشید و بیگانگی این نوع کمونیسم را با گرایش کمونیستی طبقه کارگر و کل مبارزات طبقه کارگر به عنوان یک طبقه نشان داد. و حتی قبل از آن کل دستگاه فکری عمدۀ سازمانهای چپ رادیکال مورد تقدیم مارکسیستی جریان مارکسیست اقلابی در ایران قرار گرفت. از این نظر این کار عجیب و غیر قابل باوری به نظر می‌آید. اما در مقابل موج عقب ماندگی که به صورت مشکل و غیر مشکل می‌خواهد هر چیز مشتث و همه دستاوردها را به لجن بکشد، من فکر من کنم وظیفه کمونیستهای کارگری مقابله با این موج است. مارکس زمانی بیان مقابله با به لجن کشیدن هکل از طرف انسانی لون و پیر مدعی و حقیر خود را پیرو هکل خواند و از او بدفاع پرخاسته بقیه در صفحه ۶

## سازمانهای چپ رادیکال غیر کارگری دیروز و عنصر عقب ماندگی امروز

صدای سازمانهای سیاسی جنبش کارگر امروز! سازمانهای سیاسی جنبش کارگری را داغان کردند. یکی از دهها صانع انتقال نکنند. و با این شعار البته مبارزه علیه پیشوایان و مصمم ترین کارگران کمونیست را فراموش نکرده و با تمام قوا به آن می‌پردازد. کارگران تبعیدی نموده مجسم عنصر عقب ماندگی با سازکار کردند. هم شاعر هم ساز زمان حال وا می‌زنند. و هم از پرسش کارگران کمونیست را فراموش نکرده و با حتی عامل ناتوانی‌های فردی و موافق اجتماعی بر سر راه زندگی خصوصی و فردی خود را سازمانهای سیاسی گذشتند. قلمداد می‌کنند. اینهم و پاسخ درباره گذشت راحت می‌شود و می‌خواهد گذشت را در زیر خاک مدفن کند.

سازمانهای سیاسی جنبش کارگری را داغان کردند. صدای انحلال طلبی کمونیستهای کارگری به دفاع از سازمانهای چپ غیر کارگری پیزارزند و غافر می‌شود. عنصر عقب ماندگی با از آنها تجلیل به عمل آورند. آخر این شاید سیار عجیب به نظر آید که کمونیستهای کارگری به این اقسام اجتماعی در پوشش وحدت خواهی هم متفاوت نباشد. عنصر عقب ماندگی با

نامعهای که به قصد درج در این ستون ارسال می‌شود پایه:

- ۱- کوتاه باشند
- ۲- تابع شده یا کاملاً خواهان باشند
- ۳- مجموع شود تا اینجا مخفوظ بماند
- ۴- کارگر امروز در انتخاب و تدبیح نامعا آزاد است.

## به نیزد بیز

## به اطراف خود خوب نگاه کنید!!

یعنی از نظر نویسنده کمونیستها و رفیق امین از کارگران و فعالین صنعت کارگر را دشمن شماره یک خود می‌دانند، پس برخورد آتشی کمونیستی ارجاعی و هیستریک ضد کمونیستی نشریه کارگر تبعیدی نوشته شده است، نویسندگان کارگر دارند و سعی می‌کنند ما را به کشن بینند، و تن واحد ما را پاره پاره کنند، و به اتنوع و اقسام سخنگویی دست واسطی ترین نظرات را می‌کنند. پس در واقع آنکه ما و افراد فعال این گروهها را دستگیر و زندهانی و یا اعدام کرد، آنکه با

سردییر کارگر امروز! من یکی از کارگران صنعت نفت هستم و سالهای زیادی در جنبش کارگری فعالیت داشتم ام، پس از خواندن مقاله "ما خواهان تشکلهای مستقل خود هستیم" از آقای امیر صفاتی در کارگر تبعیدی شماره ۲۱ شهریور ۷۲ پس از آن شدم که جوابی به استدلالات غلط اسلامی، نه نظام بیروتی حاکم بر ایشان پیغم و به همین خاطر مبارزت به نوشتن این جوابیه کردم، انتظار دارم آقای صفاتی این نوع قضایت کمال بی انصافی است و از عدم داشتن شناخت و پیش صحیح از مبارزه سیاسی - طبقاتی که در جامعه ما جریان داشت نشأت می‌گیرد. آقای امیر صفاتی برای اینکه دشمنی خودش را با شعبه اینکه خواهان شبانه است وقتی برای خواهیدن نداشتند شبانه بارهایشان را به کول می‌بنند و راه ۶۰ کارگر مفقود شدند که یکی از این کارگران از رفاقت خود بود.

هر کس متضطر خبری از دوستش بود که نزدیکیهای غربی جنایت ۹ نفر از کارگران را به بیمارستان رفت و دیدم که به شیوه ای خلی و حشیانه کشترانش کرده بودند، به گونه ای که تعدادی از آنها را نمی‌شد از روی قیافه تشخیص داد و شناخت. چیزی که قابل توجه بود، عده ای از آنها از کارگرانی بودند که نزدیکیهای اصلی محل رفت و آمد از از قوانین ضدکارگری حکومت کردستان عراق فرار کرده بودند. تعدادی از کارگران که جان سال بدر برده بودند به طرف روساهای ترکیه فرار کرده و یا از راه قاجاق به زاخو پرگشته بودند، این گوشه ای کوچک از کار این کارگران و اطلاعات ۱۵ روزه من است. نزدیک به ۳ سال است کار در این منطقه مرزی ادامه دارد. در این چند سال حدوداً ۴۰۰ الی ۵۰۰ کارگر جان باخته اند.

شنبه در راه گوره تعداد زیادی از کارگران به کمین افتادند، اما در همان شب از راه تقطیان که یکی از تجار آن را خریده بود ۳ کاروان و دشنه ۱۰۰ الی ۱۵۰ کارگر مشغول به کار بودند. یک شب که خود را زاخو بودم، تعداد زیادی از کارگران به کمین افتادند. هر کس به فکر فرار می‌افتد، بعد از روشن شدن هوا تعدادی از کارگران به زاخو می‌رسند و از چگونگی کمین صحبت می‌کنند و یا خودشان را می‌گزینند. اینها با توجه به اینکه کارشان شبانه است وقتی برای خواهیدن نداشتند شبانه بارهایشان را به کول می‌بنند و راه ۶۰ کارگر مفقود شدند که یکی از این کارگران از رفاقت خود بود. هر کس متضطر خبری از دوستش بود که نزدیکیهای غربی جنایت ۹ نفر از کارگران را به بیمارستان رفت و دیدم که به شیوه ای خلی و حشیانه کشترانش کرده بودند، به گونه ای که تعدادی از آنها را نمی‌شد از روی قیافه تشخیص داد و شناخت. چیزی که قابل توجه بود، عده ای از آنها از کارگرانی بودند که نزدیکیهای اصلی محل رفت و آمد از از قوانین ضدکارگری حکومت کردستان عراق فرار کرده بودند. تعدادی از کارگران که جان سال بدر برده بودند به طرف روساهای ترکیه فرار کرده و یا از راه قاجاق به زاخو پرگشته بودند، این گوشه ای کوچک از کار این کارگران و اطلاعات ۱۵ روزه من است. نزدیک به ۳ سال است کار در این منطقه مرزی ادامه دارد. در این چند سال حدوداً ۴۰۰ الی ۵۰۰ کارگر جان باخته اند.

شنبه محمد - کردستان عراق

## اعتراض علیه اخراجها در ترکیه

برای مبارزه علیه خصوصی کردن کارخانجات در ترکیه، بیشتر از ۶۰ اتحادیه و جمعی از دموکراتی خواهان پلاتفرمی را نوشتند اند در روز جمعه ۱۲/۱۲/۹۳ ساعت ۱۲ ظهر میتینگ برگزار کردند که در آن ۱۵ هزار نفر شرکت کرده بودند. در این میتینگ جمعی از اتحادیه ها نسبت به سیاستهای حکومت سرمایه داری ترکیه سخنرانی کردند. جنبش کارگری باید با مبارزه یک پارچه علیه این سیاستهای سرمایه داری ترکیه متحده شود.

بختیار سامي - ترکیه

سردییر کارگر امروز! دولت سرمایه داری ترکیه دچار یک بحران اقتصادی و سیاسی شده و برای تجارت یافتن از این بحران به زندگی کارگران و زحمتکشان حمله ور شده است، به علت این حمله بخش زیادی از کارگران بینکار شده اند از جمله فقط در شهرداری قرار است ۶۰ هزار کارگر از کار اخراج شوند و ۷۰ هزار کارگر از کار اخراج شوند یکی از این راهها را اجراء می‌کنند و محموله های خود را از این راه رد می‌کنند. در چین شیبی هر کارگر ۲ الی ۳ دفعه برای بار می‌برد. برای نمودن

ایدیولوژیکی طبقه کارگر را منعکس کرده و بتوانند از منافع طبقه کارگر در حال و آینده دفاع کنند. یاد می‌کند از اول اینقلاب ۵۷ برای ما خلیل دادید. "شما همواره سعی در تکه پاره کردن ما داشتید و موفق هم بودید. سوال اینست که چرا شما سعی در پاره پاره کردید و ما را به کشن دیدید. ما بخطاب شما بخوانید گروههای چپ ایران در آنقلاب ۵۷ برای ما خلیل گران تمام شد" و ما را به کشن دادید. "شما همواره سعی در تکه پاره کردن ما داشتید و موفق هم بودید. سوال اینست که چرا شما سعی در پاره پاره کردید و ما را به کشن دیدید. چرا می‌خواهید قدرت ما را تکه کنید؟ چرا به اتنوع و اقسام شیوه ها متسلط می‌شید و هنوز هم استفاده کرده و ما را به کشن دیدید. ما بخطاب شما بخوانید چپ ایران در آنقلاب ۵۷ برای ما خلیل شد" و ما را به کشن دادید. "شما همواره سعی در تکه پاره کردید و موفق هم بودید. سوال اینست که چرا شما سعی در پاره پاره کردید و ما را به کشن دیدید. چرا می‌خواهید قدرت ما را تکه کنید؟ چرا به اتنوع و اقسام شیوه ها متسلط می‌شید و هنوز هم شوید تا ما توانیم همچون تنی واحد در مقابل سرمایه قد علم کنیم؟ این خلاصه مقاله ما خواهان تشکلهای سندیکاهای کارگران نفت مطرح کنید تا حکومت نظامی توانند در کار ما دخالت کنند و اعتصاب و مبارزات ما جنبه قانونی داشته باشد ما در جواب این گروه می‌کنیم که این سندیکاهای مستقل خود هستیم به قلم آقای صفاتی از کارگر تبعیدی است. نویسندگان مقاله جواب سوال خودش را هم مثل استدلالات ذکر شده در بالا اینطور ادامه می‌دهند. و ... واقعیت سندیکاهای زرد رژیم است و مبارزه اینست که شما و طبقه حاکمه از یک جنس هستید.

چهای رادیکال دیروز هر چند نفر که می شدند و قصد آغاز فعالیت داشتند به سرعت گروه و سازمان خود را تشکیل می دادند و خطوط کلی برنامه خود را و تفاوت آن را با دیگران بیان می داشتند. چهای رادیکال اعما داشتند و می گفتند که با فائق آمدن پر پراکنده‌گی و بحران "جنیش کمونیستی" و با دست یافتن به برنامه، حزب کمونیست ایران را تشکیل می دهیم. اما جماعتی عقب مانده امروز می خواهند با گفتن "ما کارگریم" پاسخ همه چیز را بدند.

صفحات زیادی از نشریات چهای غیر کارگری که هر هفته منتشر می شد حاوی اخبار جنبش کارگری بود و در رسانید آن به تمامی کارگران و در نتیجه به سراسری تر شدن و گستره تر شدن جنبش کارگری پاری می رساند. کارگران متعلق به سازمانهای چپ رادیکال در بسیاری از مراکز بزرگ کارگری دارای نشریه فابریکی خود بودند که نقش خوبی در آگاه کردن کارگران آن فابریک به مسائل خاص خودشان و مسائل عمومی تر جامعه داشت. البته همه اینها برای کسی که اعتراض و اعتراض کارگران برای حقوق خودشان را تحریکات گروهکهای آمریکایی و سیاه ساخته می خواند منظر و داغان کنند بود.

امروز عده ای عقب مانده بانگ بر می آورند که "سازمانهای سیاسی جنبش کارگری را داغان کردن". این عناصر عقب مانده باید امروز توضیح دهند که سازمانهای سیاسی بر سر چه مسائلی میان کارگران تفرقه اندادند. آیا مثلا اگر عده ای از کارگران دنیا این یا آن جناح حاکم به راه می افتادند و با مخالفت کارگران متعلق به سازمانهای چپ رادیکال روپوش می شدند که بر عکس کارگران را به اعتراض و اعتراض دعوت می کردند، معنایش تفرقه و داغان کردن جنبش کارگری بود. حقیقت عناصر عقب مانده امروز به دسته اول یعنی مخالفان اعتراض و طرفدار امام ضد امپریالیست تعلق داشتند و حامی رژیم بودند که نه اعتراض و نه تشکیل کارگری و نه حقیقت اسما کارگر را به رسمیت می شناخت، برای اینها امروز سخن راندن از "تشکیل مستقل کارگری" حتی به کاریکاتورهای شکلش پیشرفت عظیمی محسوب می شود.

البته آنها در پاسخ به همه اینها خواهند گفت که کارگری و سالها کار کرده اند پس دیگر از ما چه می خواهید.

محمود قزوینی

فصله داریم! و خیلی احتمانه است که با وجود این فصله زیاد باز هم شما خود را رهبران، نایاندگان و پیشوaran ما محسوب کنیدا" این افراد ممکن است ادعای پرولتاری بکنند ولی حامل نظرات غیر پرولتاری باشند. اما در هر شکل احمق نیستند و هیچ کس همچون ارجاع اسلامی حق ندارد به کرامت و شخصیت انسانی آنها توهین کند.

در خاتمه باید بگوییم که ما کارگران باید در مباحث سیاسی و ایدئولوژی خودمان بروش پرولتاری عمل کنیم قاطع، آموزند و متواضع تا بتوانیم صفو خود و متحدینمان را علیه دشن مطلقی خود مستحکم کنیم و لازم به گفتن است که آقای صفائی باید بگیرد که در یک بحث و جدل سالم حق دارد که از نظراتش دفاع کند و حتی اگر لازم باشد عصبانی شود!! ولی حق ندارد به افراد تووهین کند. ایشان در مقاله اش می نویسد که "بنابراین ما با هم (منظر) کارگران و سازمانهای چپ" خیلی

نشست بین گروههای چپ سنتی که عمدا در بین اشاره متوسط جامعه جریان داشتند تاثیر منفی بر وضعیت جنبش کارگری داشته اند. ولی این موضوع دلیل بر رد تمام نظرات دیگر کمونیستی که سیاستی درست درون جنبش کارگری داشته اند نیست و به دلایل مختلفی که تاکنون عنوان کرده ام نباید تمام تقصیرات را به گردن جریانات چپ بیاندازیم، در غیر اینصورت ما هم در صف جمهوری خودمان بروش پرولتاری عمل کنیم قاطع، آموزند و متواضع تا بتوانیم صفو خود و متحدینمان را علیه دستگیر و اعدام شدند.

با این مسئله باکی نداریم و باید

## به اطراف خود خوب نگاه کنید!!

بقیه از صفحه ۵

باعث پیروزی در مبارزه سیاسی ایدئولوژی می شود مسلح شدن او به اندیشه مارکسیست - نینیست است که این توسط عناصر آگاه بدور طبقه کارگر آورده می شود. اندیشه طبقه کارگر بوسیله روشنفکران انقلابی به او منتقل می شود چون روشنفکران در تعاملات واره یک مبارزه سیاسی با رژیم شاه می شویم و طبیعتاً حکومت تظاهرات واره طبیعتاً به وسیله روشنفکران هستند و طبیعتاً حکومت اخلال گر وضع موجود می داند و ما از این مسئله باکی نداریم و باید سندیکاهای سرخ خود را بوجود بیاریم. گروه دوم کارگران حزب الهی، زمانی که ما با دیگر رفقاء کارگر و دیگر همکاران ایان صحبت و بحث می کردیم عده ای از چ JACK بدستان جلو می کردند و مطرح می کردند که ما هم کارگریم و ایرانی و مسلمان هستیم و نمی خواهیم کمونیستها و چهای بین ما تفرقه بیاندازند وقتی به آنان می گفتم شما برای خودتان نظر و دیدگاهی دارید و در بیان نظرتان هم آزادید، ما هم نظر و دیدگاهی داریم و طبیعتاً هم آزادیم، در جواب می گفتند شما و ما همکی کارگریم و ما خودمان باید تصمیم بگیریم و نباید بگذاریم که این کافران خود را رهبر ما بدانند و نباید آنها را بین صفو خودمان راه بدهیم (منظورشان کمونیستها و گروههای چپ بود). و یا در یک سخنرانی یکی از کارگران حزب الهی می گفت بسم رب القاسم جبارین، برادران کارگر ما هم کارگر و مسلمان هستیم و نگذارید این روشنفکران کافران در صفو ما رخنه کنند. اینها به ما باید با بحث سیاسی و ایدئولوژیکی و ضربه می زند همانطور که در سال ۳۲ هم ضربه زند. ما کارگر کنیم و به خودمان می دانیم که چکار کنیم و به آن نظر که بتواند مبارزه اقتصادی -

سیاسی و ایدئولوژیکی طبیقه کارگر را در کارخانه و بازارها در کارخانه و در کوچه و بازار شنیده ایم و همانطور که می دانیم این نظرگاهها برای طبیقه کارگر ضرر و زیان آور است، همه می گویند که ما کارگریم و به دیگران، غلط برسیم، اگر در انقلاب ۵۷ و پس زمانی که سوسیالیستها حق آب و گل داشت، زمانی که بزرگ خواندم و حتی ضمن زندگانی که برخی از این کمونیستها با وجود مشخص خود را در جامعه مطرح کند و در واقع انقلاب به شکست انجامید خود را در تحریل این سرمایه داری بر اساس تنوری مارکسیسم سرباز می زند، زمانی که مبارزه ضد امپریالیستی دیگران مربوط نمی شود. چنین

صحبتهایی را مبارها در کارخانه و در کوچه و بازار شنیده ایم و همانطور که می دانیم این نظرگاهها برای طبیقه کارگر ضرر و زیان آور است، همه می گویند که ما کارگریم و به دیگران،

منظور کمونیستها، مربوط نمی شود، از آیا کدام درست می گوید. آیا آن سندیکالیست خود فروخته زمان شاه یا آن حزب الهی یا آقای صفائی که از طرف کارگران صحبت می کند؟

امروز در جهان اتحادیه های کارگری فراوانی هستند. که در خدمت به نظام بورژوازی فعالیت می کنند صرف

کارگر بودن دلیل بر حقانیت یک نظر یا یک تشکل نیست، آیا حزب کارگر

انگلستان حقانیت دارد؟ آیا اتحادیه های کارگری آمریکایی که ریگان، بوش و کلینتون را انتخاب می کنند تا

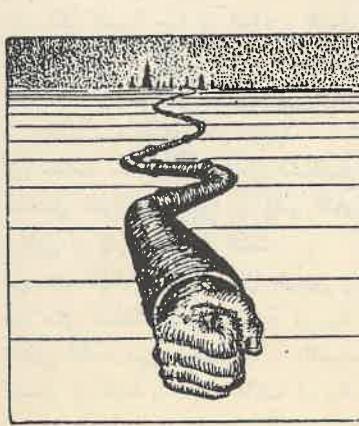
فعالیت می کنند صرف مسلمان خیر، طبیقه کارگر در مبارزاتش بطور خود

بخود به یک مبارزه صنفی -

اقتصادی می رسد ولی این طبیقه کارگر برای رسیدن به حاکمیت و گرفتن قدرت

سیاسی از بورژوازی نباید تنها به مبارزه تردیونیونی اکتفا کند و باید به

این نیستم که گروه گرایی و تحزب و



دانست؟

## ۲ درصد افزایش دستمزد نتیجه اعتصابات کارگران آلمان

همزمان با این تفاقات، اتحادیه کارگران چاپ اعتصابات اخطاری خود را آغاز کرد. در سراسر کشور ۴۰ هزار عضو اتحادیه کارگران چاپ آلمان در پیش از ۵۰ کارخانه دست به اعتصابات اخطاری زدند. اتحادیه کارگران بخش خدمات از اواخر ماه فوریه اعتصابات اخطاری خود را آغاز کرد. مطالبه کارگران در ابتداء ۴ درصد افزایش دستمزد به نسبت نرخ تورم و همچنین کاهش ساعت کار برای مقابله با بیکارسازی وسیع در بخش خدمات بود. یکی از وسیع ترین اعتصابات اخطاری، اعتساب کارگران ترانسپورت در اول ماه مارس بود که شرکت راندنگان قطار و اتوبوس منطقه زاین در اعتساب مانع حضور هزاران نفر بس کار شد. رهبر اتحادیه فلزکاران آلمان، کلاوس زویکل در مورد تنشیج مذاکرات گفت: ما تصمیم گرفتیم که در ازای تضمین شغلی از پول بگیریم، موقتی در حفظ مشاغل در ازای افزایش پایین سطح دستمزدها.

مرکز خبری کارگر امروز: روز ۱۱ مارس، آی.گ.متال طی مذاکرات سالانه با افزایش دستمزد ۲ درصد - یعنی پایین تر از نرخ تورم ۳ درصد - برای ۲/۵ میلیون اعضاً موافقت کرد و به اعتصابات اخطاری که بیش از دو هفته کشور آلمان را فلک کرده بود پایان داد. آوریل مهلت داد تا از برنامه بازسازی مدیریت حمایت کنند. ایر فرانس تهدید کرد اگر اتحادیه ها برنامه مذکور را نپذیرند مستقیماً با ۴۰ هزار کارکن ایر فرانس وارد مذاکره خواهد شد. به گزارش تایمزمالی، قرارداد جدید نتیجه ۴ ساعت مذاکره میان اتحادیه و مقامات دولتی آلمان بود که بینبال موجی از اعتصابات اخطاری در سراسر کشور حاصل شد. چند ساعت پس از پذیرش ۲ درصد افزایش دستمزد توسط اتحادیه فلز، اتحادیه کارگران بخش خدمات و اتحادیه کارگران بخش مهندسی نیز قرارداد جدید را به رای گیری اعضاً گذاشت. قرارداد جدید کارگران ادارات پست تندن بوز ۳۸ به ۳۹ ساعت کار در هفته و بیکاری ۵ هزار نفر منجر خواهد شد. علاوه بر این برنامه بازسازی مدیریت بیش از سال دستمزدها را منجمد خواهد کرد.

## کارگنان ایوفرانس علیه بوتاشه بازسازی مدیویت

## کارگران علیه بیکارسازی در کمپانی سوزوکی

اسپانیا،

مرکز خبری کارگر امروز: کمپانی سوزوکی در اسپانیا کارگران را مادرید کرد که اگر با بیکارسازی ۷۰ درصد نیزی کار موقوت نکنند کارخانه را تعطیل خواهد کرد.

بیکارش تایمزمالی، کمپانی قصد دارد نیزی کار را از ۲۴۲۷ نفر به ۹۴۱ نفر کاهش دهد. رهبران اتحادیه اعلام کردند که مقابل این اولتیماتوم کمپانی خواهند استاد و هیچ دلیل برای آدامه مذاکرات نیست. بیکاری سوزوکی همچنان آدامه دارد.

## ادارات پست در معرض اعتراض

مرکز خبری کارگر امروز: ادارات پست بریتانیا بدليل بی نتیجه ماندن مذاکرات سه بخش از کارگران با اعتراض مواجه هستند. به گزارش تایمزمالی، کارگران بخش برنامه مهندسی به یک کمپانی مستقل در حال رای گیری در مورد اعتراض هستند.

کارگران ادارات پست تندن بوز ۳۰ مهندسی که برای ادارات پست کار می کنند در اعتراض به بسته شدن بخشی از بیکارسازی کارگنان آن اعتصابشان را آغاز خواهند کرد. اعتساب کارگران از اواسط اعتساب دادند. اعتساب کارگران از اواسط

ترکیه،

## کنفرانس منطقه ای دیسک بر گزارش

### قرارداد سه ساله کار در ایولند

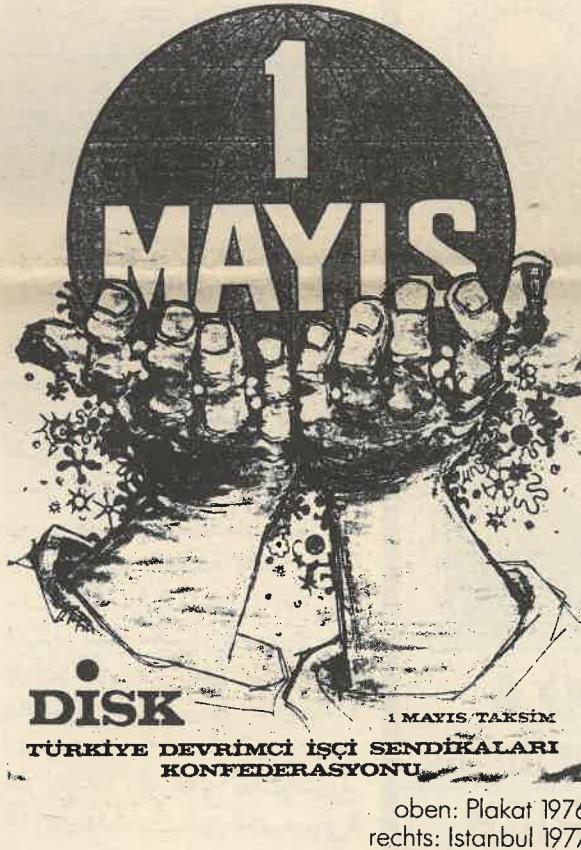
روز ۱۴ فوریه، دولت، کارفرمایها و اتحادیه های کارگری ایولند قرارداد کار جدید را که به مدت سه سال اعتبار خواهد داشت به امضا رسانند. طبق این قرارداد دستمزد کارگران بخش خصوصی ۸ درصد طی سالهای ۱۹۹۶-۱۹۹۴، و دستمزد کارگران بخش دولتی ۱۱ درصد تا سال ۱۹۹۷ افزوده خواهد شد. دولت تلاش می کند تا در سال جاری نرخ تورم را در حد ۲/۵ درصد نگهدازد.

### ۲۳/۹ درصد بیکاری در اسپانیا

به گزارش اداره آمار اسپانیا که اخیراً منتشر شد در سال گذشته به تعداد بیکاران اسپانیا ۶۲۰ هزار نفر افزوده شد و در ماه دسامبر نرخ بیکاری به ۲۳/۹ درصد رسید. به گفته وزارت کار این کشور تنها در ماه ژانویه به تعداد کسانی که برای حق بیکاری تقاضا دادند ۶۳ هزار نفر اضافه شد.

### ۵۵ کارگر معدن در یک آتش سوزی در هندوستان جان خود را از دست دادند

روز ۲۷ ژانویه جسد سوخته ۵۵ کارگر معدن زغال در شرق هند پیدا شد. بر اساس نامه ای که از یکی از کارگران جان باخته بجا مانده، کارگران از ساعت ۱۰ صبح روز ۲۵ ژانویه در چنگال آتش سوزی گرفتار شده و پس از ۶/۵ ساعت تلاش استرالیا، اعتصاب برای حق اعتراض



## کارگران فیات و حفظ مشاغل

مرکز خبری کارگر امروز: زورس در هفته آخر سال فوریه، اتحادیه کارگران کاهش ساعت کار در ایتالیا برای اتومبیل سازی فیات در هفت، کاهش حقوق و سویسید دولتی به کمپانی برای دوره کارآموزی ۲۰۰ را به رای گذاشتند.

در این رای گیری ۶۰ درصد از کارگران به گزارش تایمزمالی، قرارداد جدید که شامل ۱۶ هزار کارگر کمپانی خواهد شد قرارداد رای مثبت دادند.

این نکات را در بر می بارند: بازنیستگی

## افزایش دستمزد کارگران ساختمانی در آلمان

پایین تر از نرخ تورم ۳ درصد در آلمان اتحادیه کارگران طی مذاکرات خواهان برای دستمزد کارگران ساختمانی در شرق و غرب آلمان شد. در حال حاضر قرار است دستمزد ۳۷۵ هزار کارگر ساختمانی در شرق آلمان تا سه سپتامبر به حد ۵۰۰ هزار کارگر ساختمانی که از مهارت دستمزد کارگران ایون مثبت دادند.

به گفته رئیس فدراسیون کارگران معدن، جات میتلند، اعتراضات معنجهایان به این اقدام کمپانی ها علیرغم هرگونه تهدیدات قانونی علیه کارگران آدامه خواهد یافت. معنجهایان استرالیا به روز در اعتساب بودند.

## افزایش دستمزد ناچیز کارگران ژاپن

مرکز خبری کارگر امروز: توافق اخیر با اتحادیه های کارگران فولاد، کشتی سازی و اتومبیل سازی یکی از پایین ترین قراردادهای دستمزد کارگران در طی ۴۰ سال اخیر در ژاپن است.

## اعتصاب برای افزایش دستمزد در پرتقال

مرکز خبری کارگر امروز: روز ۲۴ مارس، بندبال فراخوان اتحادیه های کارگری ژاپن، در بخش فولاد، صنایع کشتی سازی و اتومبیل سازی با پایین ترین میزان افزایش دستمزد از سال ۱۹۸۷ موافق شد.

به گزارش تایمزمالی، اتحادیه کارگران بخش الکترونیک و اطلاعات که کارگران را در کمپانی های مانند تووشیبا و ماتسوشیتا نایندگی می کند پس از رد پیشنهاد ۳ درصد افزایش دستمزد مدیریت آنها را تهدید به اعتساب کردند. این اتحادیه های کارگری پرتقال به اعتساب عمومی برای افزایش دستمزد ۲/۶ درصد است که به توجه خود از قرارداد ۲/۶ درصد افزایش دستمزد کارگران در سال گذشته پایین تر است.

کارگران راه آهن در بخش خصوصی اعلام کردند که دست به اعتساب یکروزه خواهند زد. اتحادیه کارگران راه آهن برای مطالبه افزایش ۱۲ هزار پن (۷۶ بیرون) به حقوق ماهانه کارگران در مقابل پیشنهاد ۱۰ هزار پن از سوی کارفرمای مبارزه می کند.

## اول ماه مه و اعتضاب کارگران کارخانه "وطن" اصفهان

صورتیکه برای رفیق فرقوی و اعضای هیئت عامله حرف زدن خودی نداشت. و ضمناً تصمیم گرفته شد تا مطالبات قبول نشود سر کار حاضر نشوند. برای ابلاغ جواب و نتیجه محل اجتماع فردا تعیین گردید.

وضعیات مذکوره در حالات "آقای" رئیس کارخانه تاثیرات مهمی بخشیده یعنی آن افاده خود را کنار گذاشته و حالت ملایم و نرمی را پیش گرفت. نمایندگان را با احترامات زیادی پذیرفت مواد مطالبات را یا تلغی و نرمی (باصطلاح فعل و میخ) و جرح و تعديل از قبیل هشت ساعت کار کم است، ۹ ساعت عیب ندارد و غیره بطور شفاهی قبول نمود ولی نمایندگان فرقوی چون اعتماد بقول نداشت اعضای قبول مواد را کنایا مطالبه کرد. در سر این موقع مجادله شروع شد و رئیس کارخانه امر با خراج دی از خانه خودش داد اما به محض حرکت کردن رفیق مزبور کلیه نمایندگان نیز برخاسته بروند رئیس کارخانه فوراً مستله بشوخت اندخته و تقاضای مراجعت رفیق مذکور را نمود. بالاخره با همه نمایندگان بطور انفرادی مشغول نجوا شد اول تهدید و بعد تطیع را پیشنهاد نمود و تقاضا نمود که فردا عده را بکار حاضر نمایند. ضمناً قسم های غلط و شداد می خورد که کلیه مطالبات را قبول و اجرا می کنم. مثلاً با همان رفیق فرقوی که عضو نمایندگان بود اینطور نجوا نموده "خوب در کارخانه بلشویک بازی در آورده می دهم تو را جس و تعیین کنند" و چون دیده بود که تهدید تاثیری نمی بخشید تطیع را پیش کشیده باز هم تاثیری نمی کند بالاخره با نمایندگان قرار داد که اظهارات او را به اعضا بیان کرد. اگر قبول کردند که سر کار بروند نمایندگان از منزل رئیس کارخانه خارج شده ولی بعد چون معلوم شد که بعضی از نمایندگان (بیطری) لغزیده صلاح در این دیده شد که فردا پس از حضور و اجتماع عده تکلیف معین شود که سر کار بروند یا اینکه اعتضاب ادامه داده شود. ضمناً دو ساعت بعد از نصف شب همان روز به رفیق فرقوی اطلاع داده شد که دو نفر اگنت (عوامل) کمیسیون پیش بینی می شوند.

هاییکه روز قبل در جلسه حضور داشتند بخانه کلیه افراد رفته آنها را بهر نحو بوده دعوت به اعتضاب شکنی نموده اند. ولی رفیق فرقوی دستور می دهد که در معابر کارگران اشخاص جدی و امین گذارده شود که از رفتن کارگران بکارخانه (لو جبرا هم باشد) جلوگیری شود.

روز ۱۷ اردیبهشت سه قراول برای کارگران گماشته شده بود یکی از طرف رئیس کارخانه برای جلوگیری از حضور در اجتماع یکی از طرف کمیسیون اعتضاب برای جلوگیری از حضور در روز ۲۰ اردیبهشت سه قراول برای کارخانه یکی از طرف پلیس برای اینکه هر کارگری را می دید جبرا او را بکارخانه داخلش می کرد. با وجود این در حدود ۲۵۰ نفر در محل اجتماع حاضر شدند. پس از شنیدن جوابهای رئیس کارخانه اینطور صلاح دیدند که با اعتماد بقول رئیس کارخانه سر کار حاضر شوند و ضمناً خود مطالبه نامه خود را نموقع اجزی بگذارند بنابراین روز ۱۷ باعتضاب

هر تقاضای دارید از رئیس کارخانه مطالبه نمایند. آنها پس از شنیدن فحش های سخت مایوسانه مراجعت می کنند. اعضا بیان کردند بودند این قضیه بهانه شد که کلیه فرمانده منظماً وارد شهر شدند پس از آنکه بطور نمایش قسمتی از خیابان چهارباغ را طی کرده و بعد از آن در مدرسه چهارباغ جمع شده شروع به خواستن مواد تقاضا نامه خود می کنند. در این حین عده ازان وارد شده رهبرین اعضا بیان کردند. رئیس کمیسر ظیه جلب می کند. رئیس کمیسر وادشتند. ولی بقیه از بزرگ و کوچک حتی بچه های ده ساله کارگر از کارخانه خواهد شد. بدینه است یکنفر کارگران خیلی جدید که در نساجی می خواستند بمانند و مشغول بکار شوند کمیسر حمله و کنک اعضا باید صبر کنی تا موقع شده جبرا دست از کار کشیدند.

یکنفر از کارگران نیز بطرف مدعاً العومی حرکت می کنند و عرضه که بضمیمه کنترات نامه بود به مدعی العمومی داده (البته در این قبیل موارد بعضی اقدامات که برخلاف میل رهبرین ولی مقتضات وقت آن را ایجاد می کند پیش می آید) مدعی العموم با جوابهای سخت از قبیل "در عصر اعلیحضرت پهلوی این شرارت را نمی شود کرد" و غیره عده ای را امر بخروج می نماید.

پس از خروج از مدعی العمومی بالاجتماع طرف عصر برای ابراز مطالبات خود و ضمناً جلوگیری از ورود بکار عده که شب بایستی کار کنند بطرف کارخانه حرکت می کنند ولی چون ابراز مواد مطالبات در آن موقع مقتضی نبود و مستلزم تبادل اتفاقات و نظر عده کمیسیون اعتضاب بود پس از اطمینان بایستی شب کارخانه بکلی خواهد و تعیین وقت و محل اجتماع عده بخانه های خود متفرق شدند.

روز دوم اعتضاب - در همان شب اعضاء کمیسیون اعتضاب جلسه کرده مواد تقاضا نامه خود را جرح و تعیین کرده و برای گذراندن در جلسه عمومی فردا حاضر نمودند. ضمناً عده که فردا بایستی برای تباينگی و قبولاندن مواد مطالبات پیش رئیس کارخانه بروند در

کارگران پیش بینی می شوند.

فردا مطابق معهود به محل موعد کارگران حاضر ولی بنا بتوصیه رئیس کارخانه صاحب باغ از دادن محل امتناع نمود. لذا جای دیگری تعیین آنچه هم همینطور بالاخره در یکی از جاده های عمومی کارگران تجمع کرده و با وجود همه اشکال راشی هاییکه شب اردیبهشت کارخانه خواهد و ذکر شد عده حاضرین در جلسه ۲۵۰ نفر بالغ بود ( ضمناً متذکر می شود در همان هم ۱۶ اردیبهشت اقدامات برای جمع و پارچه سرخی که در روز آن جمله : "زنجیر روی زمینه پیروز" و سائل حفظ الصحه هیچگونه وجود ندارد. حتی از دادن آب تمیز برای خودن هم امتناع می شود. مثل شیریکه کارگرهای شبانه کار بایستی تصمیمات راجع به تهیه زمینه و وسائل اعتضاب در آئیه نزدیکی گرفته شد و جلسه با فریادهای "زنده باد مدد معاش بیکاری و مرض اصلای نیست. بالاخره تدقیق در درب خروج و بی احترامی های از حد خارجی که کارگران تمام عالم" و "زنده باد عید کارگری تمام عالم" بطرز خوشی خاتمه یافت و این امر در تاریخ ۱۱ آید!

۴ - وضعیات فوق الذکر زمینه اردیبهشت بود.

نظر بایستیکه یک هفته بعد یعنی در ۱۶ اردیبهشت روز عید غدیر و روز ۵ شنبه بود کارخانه اعلام کرد که روز عید تعطیل ولی فردا آنروز که جمعه می باشد باید کارگران بجا آنروز سر کار آمده کار کنند! این اعلام کارخانه بهانه خوبی برای تشکیلات شد لذا

هیئت عامله اتحادیه تصمیم گرفت که روز ۱۶ اردیبهشت که روز عید غدیر است جلسه عمومی کارگران را تشکیل داده و شروع باعتضاب نماید و کارگران را برای مطالبه مواد چندی که لقا ضمیمه می شود حاضر کرده و اعتضاب را شروع نماید در همین زمینه برای حاضر کردن عده مشغول بکار گردید مواد مطالبه نامه خود را قبلاً در جلسه فعالین و بعد در حوزه کارخانه بیشتر شد امتناع از اعضاء مندوخ کمک رسانید.

زیرا در این موضوع اقدامات جدی از

کنترات نامه را امضا کنی یا اینکه از کارخانه خارج شوی و روز قبل هم یکنفر را بهمین واسطه خارج کرده بودند این قضیه بهانه شد که کلیه کارگران دست از کار کشیده و با حرارت فوق العاده از کارخانه بیرون ریختند ولی کارگران یک شعبه که قدری دیر از قضیه مطلع شدند تا خواستن خود را بدبیران مطلع شدند تا درب کارخانه بروی آنها بسته و مانع از خروج آنها شدند و جبرا بکارخانه وادشتند. ولی بقیه از ایران هیچ وقت نمی تواند بفهمد که ماه بعد برای او کار بهتری در جای دیگر تهیه می کاره اند و اعتضاب غیر مشکل و اتفاقی و بی اهمیت نیز در پنجمال قبل رخ داده که شرکت کنندگان در آن نیز در اعتضاب امسال هم شرکت داشتند.

۳ - وضعیت بد و فشارهای غیر قابل تحمل عمال کارخانه زمینه را برای همه گونه کارهای تشکیلاتی سهل و آسان نموده. از قبیل ۱۲ ساعت کار در روز و ۱۲ ساعت در شب، در قسمت روز فقط نیم ساعت کارگران ماده بود.

کنترات نامه مزبور زمینه خوبی بدست داد و خیال اعتضاب را روز بروز قوت می داد و افراد فرقوی را بیشتر امیدوار می کرد و لی با وجود این تشکیلات فرقوی برای فهمیدن زمینه اعتضاب را یک هفته بعد از اول ماه مه محول داشت و اول مه را به شکیل یک جلسه عمومی و ذکر فشارهای از حد بیرون عمال کارخانه و یادآوری از عید کارگری قناعت کرد.

در روز اول ماه مه بر حسب دعوت و ابلاغیه بعد اعضاء و غیر اعضاء شده بود در یک باغی در حدود ۶۰ الی ۷۰ نفر جمع و پارچه سرخی که در روز آن جمله : "زنجیر روی زمینه پیروز" و سائل حفظ الصحه هیچگونه اتحاد نداشت. حتی از دادن آب تمیز برای خودن هم امتناع می شود. مثل شیریکه کارگرهای شبانه کار بایستی تصمیمات راجع به تهیه زمینه و وسائل اعتضاب در آئیه نزدیکی گرفته شد و جلسه با فریادهای "زنده باد" آب از آن برداشتند قفل می شود. آب از آن برداشتند قفل می شود. صابون دست شوئی ابداً وجود ندارد مدد معاش بیکاری و مرض اصلای نیست. بالاخره تدقیق در درب خروج و بی احترامی های از حد خارجی که کارگران تمام عالم" و "زنده باد عید کارگری تمام عالم" بطرز خوشی خاتمه یافت و این امر در تاریخ ۱۱ آید!

۴ - وضعیات فوق الذکر زمینه اردیبهشت بود.

نظر بایستیکه یک هفته بعد یعنی در ۱۶ اردیبهشت روز عید غدیر و روز ۵ شنبه بود کارخانه اعلام کرد که روز عید تعطیل ولی فردا آنروز که جمعه می باشد باید کارگران بجا آنروز سر کار آمده کار کنند! این اعلام کارخانه بهانه خوبی برای تشکیلات شد لذا

هیئت عامله اتحادیه تصمیم گرفت که روز ۱۶ اردیبهشت که روز عید غدیر است جلسه عمومی کارگران را تشکیل داده و شروع باعتضاب نماید و کارگران را برای مطالبه مواد چندی که لقا ضمیمه می شود حاضر کرده و اعتضاب را شروع نماید در همین زمینه برای حاضر کردن عده مشغول بکار گردید مواد مطالبه نامه خود را قبلاً در جلسه فعالین و بعد در حوزه کارخانه بیشتر شد امتناع از اعضاء مندوخ کمک رسانید.

در همین حین هم ورقه کنترات نامه ای که از طرف کارخانه شده در بین کارگران منتشر شد که مبایستی کلیه کارگران زود یعنی یک روز قبل از عید غدیر آن را امضاء کرده و بدنه بیشتر سبب تهییج کارگران گردید.



شنبه بود کارخانه خواهد و ذکر شد عده حاضرین در جلسه ۲۵۰ نفر بالغ بود ( ضمناً متذکر می شود در همان هم ۱۶ اردیبهشت اقدامات برای جمع و پارچه سرخی که در روز آن جمله : "زنجیر روی زمینه پیروز" و سائل حفظ الصحه هیچگونه وجود ندارد. حتی از دادن آب تمیز برای خودن هم امتناع می شود. مثل شیریکه کارگرهای شبانه کار بایستی تصمیمات راجع به تهیه زمینه و وسائل اعتضاب در آئیه نزدیکی گرفته شد و جلسه با فریادهای "زنده باد" آب از آن برداشتند قفل می شود. آب از آن برداشتند قفل می شود. صابون دست شوئی ابداً وجود ندارد مدد معاش بیکاری و مرض اصلای نیست. بالاخره تدقیق در درب خروج و بی احترامی های از حد خارجی که کارگران تمام عالم" و "زنده باد عید کارگری تمام عالم" بطرز خوشی خاتمه یافت و این امر در تاریخ ۱۱ آید!

بمناسبت عید اول ماه مه

# رنجبران روی زمین متحد شوید!

بیانیه

## انقلاب در اتحادیه ها پلاتفرم انفعال و متداولوژی چپ آکادمیک

بقیه از صفحه ۲۱

انشا می کنند و به همین دلیل هم نزد اتحادیه ای بوجود آمد. تا پیش از سال ۹۰ حمایت از حزب سوسیال - دمکرات شده اند. در مقابل ناراضیتی توده های کارگر از اتحادیه و در مقابل نگرانی فعالین و رهبران نسبت به بی علاقه‌گویی اعضا به غفایل، مجتمع عمومی در محله‌ی کار به مشابه بالاترین مرتع تصمیم گیری گذاشته می شود. در هر مرود که بشدت ضد کارگری و ضد اتحادیه ای دولت سوسیال دمکرات در سه ایالت کانادا از سال ۹۰ تاکنون، قطع کمکهای مالی به و حمایت سیاسی از حزب سوسیال دمکرات توسط برخی اتحادیه ها، شکست تاریخی این حزب در انتخابات فدرال ۹۳ و حذف شدن جناح چپ بورژوازی از پارلمان فدرال، جنبش اتحادیه ای را از یکسو در بی افقی اقتصادی و سیاسی فرو برد و از سوی دیگر پایه های وحدت آنرا به لرزه در آورده است. با توجه به مجموع عواملی که ذکر شد، تلاش برای پیش بردن آلترناتیوی های کمونیسم کارگری در رابطه با ساختار و افق اتحادیه ها و در بین آنها به یک ضرورت بدلیل می شود.

از کجا باید آغاز کرد؟

هر فعال شوراواری در کانادا برای پاسخ به این سوال که جنبش شوراواری را چگونه باید طرح کرد؟ یا جنبش شوراواری از کدام مسیر و شکل گرفتن برخی اغراض از طرف اتحادیه و از سوی دیگر در تحرک سیاست کارگری در پانیش نشان می دهد، که در هر حال بالا گرفتن مقاومت کارگری در مقابل تعرض کوتی بورژوازی حاصل می شود. ۲ - به یک نیروی مادی، به یک جریان واقعی، به کاریش مجمعی ها در اتحادیه ها تبدیل شده که با مقاومت از طرف اتحادیه و رفرمیسم روپرتو می شود. آنگاه با اتفکا به آن نیرو می توان بر سرچ جنبش شوراواری برای تشکیل شوراواری کارگری رفت. در این پروسه هرگاه فاکتورهای اجتماعی کوتی به نفع شکل گیری شوراواری تغییر کردد، جنبش مجمع عمومی طبعاً به آن سمت می رود.

خاتمه

منتقد "کمبو دمکراسی"، تلاش انجام شده برای طرح و تبلیغ آلترناتیوی های سوسیالیستی در قبال اتحادیه ها، در آنچه را چنین جعبه‌بندی کرد: "این چیز نیست جز درز گرفتن تلاش طبقه کارگر برای تشکیل شوراواری کارگری با میان بر زدن از طریق اتحادیه ها. مسئله میان بر زدن قابل پاسخ داده شد. در مرود تلاش طبقه کارگر برای تشکیل شوراواری کارگری، این عبارت ممکن است به خواننده کارگر امروز در خارج از کانادا این بزداشت را بددهد که در کانادا طبقه کارگر با بخششان از این طبقه در حال تلاش برای تشکیل شوراواری کارگری هستند. همینجا باید گفت که امروز متسافنه چنین تلاشی موجود نیست و برای سرچ نکردن، مبارزه راه نینداختن و نه از سرچ چنگ که از موضع کارگر کمونیست متوقع وارد عمل می شود، ایزوله شده و در بین فعالین زادیکال و سوسیالیست اتحادیه ها شونده، همکار و رفیق پیدا می کند. جنبش مجمع عمومی که افق خدمت سرمایه داری بر آن نظر است، یک حرکت خلاف جریانی در درون اتحادیه هاست. یک جنبش اغراضی به رفرمیسم و محدودیتهای ساختاری اتحادیه است. پرچار باد مجتمع عمومی در محله‌ی کار، "زنده باد قدرت توده کارگر"، رفرمیسم، زنجیر بردگی کارگر را افشاء کنیم، کارگران نایاب هزینه بحران را پیزارزند، کنترل مبارزات کارگران منع، جلسه مذاکرات علیه باید گردد" به عنوان مثال می تواند نمونه شوراوارها و مطالباتی باشد که جنبش مجمع عمومی در پرتو آن پیش زود، این جنبش باید در هر مورد از مسائل جنبش کارگری با آلترناتیوی های اثباتی خود به افسای مبانی رفمیسم پیزارزد. اکاری که فرقه های حاضر، پس از تعلیم مبارزه طبقاتی حق و تروتسکیست انجام نمی دهند. آنها فقط نیست، جز پلاتفرم انفعال.



اول ماه مه ۱۱ اردیبهشت) روز مبارزه زحمت کشان دنیا محسوب شده و با خون هزاران کارگر آمریکا و اروپا رسیده بوده است. در این روز کارگران به تحديات پلیس اهمیت نداده و با پیرقهای سرخ و با شعارهای انقلابی فوج بخوب در خیابانها نمایش می دهند.

کارگران ایران نیز باید بنویه خود این روز روز مبارزه شرده و با زحمتکشان دنیا همقدم شوند! اتحادیه کارگران ایرانی با این بیانیه به کارگران آذربایجان این عید کبیر بین المللی زحمتکشان را از صمیم قلب تبریک می گوید. امروزه که در سرتاسر مملکت ایران بحران اقتصادی حکمران می باشد، قیمت پول ایران تنزل کرده / مزد کارگران روز بروز کمتر شده / اهالی از گرسنگی با مرگ هم آغوش می شوند، علت اصلی آن عبارت از این است که امورات مملکت در دست یک عدد ملاک و غارتگران است که در راس آنها پهلوی واقع شده و با دست شمار (استشار) بی رحمانه صفت زحمتکش ایرانی یک صد و هشتاد میلیون دolar در بانک ملی نیویورک شعبه لندن برای تامین آتیه خود ذخیره نموده است و امروزه سر دسته غارتگران (پادشاهی) بودن خود را افتخار دانسته با مخارج گزاف اعیاد مخصوص بخودش را جشن می کرده بر عکس تمام فرق سیاسی و اجتماعات کارگری را غارت و خفه نموده و فشار ملی را نسبت به بlad اقتیت بذر از حکومت تزادی روسیه اجرا می نماید. جراید فعلی که مدار و گرسنگی و بیکاری ایرانیان را در نظر عالیان و زحمتکشان ایران پرده پوش نموده اسم منحوس پهلوی را با خطهای درشت درج نموده و یگانه ناجی ایرانی نامند! رفقا! فشار اقتصادی فعلی مملکت جیات ما را هر آن تهدید می نماید: حکومت ملکی و مجلس "شورای ملی" ذره بحال ما اعتمنا نکرده با وضع مالیاتهای سنگین ما کارگران را مجبور می نماید که اطفال ۷ ساله و مادر ۷۰ ساله خود را بکار واداریم بنا برای ما زحمت کشان نه از مجلس و نه از شاه راه نجات نبوده فقط یگانه راه نجات برای ما کارگران ... دخول به تشکیلات اتحادیه های صنفی و مبارزه با جلادان صفت کارگر می باشد. کارگران ایران با همراهی زحمتکشان عالم در تحت رهبری اتحادیه کارگران و لوای سرخ فرقه کمونیست ایران می توانیم باجرای شعارها دینی موفق شویم:

۱ - وضع قانون زحمت با اشتراک نمایندگان حقیقی صفت زحمت کش - علی‌نی شدن اتحادیه های کارگری - ۸ ساعت وقت کار ازدیاد مزد کارگران - لغو اصول سر خط در کارخانه های فرشتابی و غیره - مراجعات حفظ الصحه کارگران در کارخانجات - جلوگیری از کار کردن اطفال خردسال - بیمه کارگران - تامین معاش بیکاران شهر و دهات - ۲ - آزادی جراید و ادبیات و اجتماعات کارگری -

زنده باد اول ماه مه عید کبیر بین المللی زحمتکشان! زنده باد اتحادیه های صنفی کارگران ایران! زنده باد اتحاد کارگران روی زمین! زنده باد فرقه کمونیست ایران و بین المللی سرخ کارگران!

محبو باد اصول و قوانین استبدادی حکومت پهلوی و مجلس او! محبو باد فشار ملی که تمام ملی اقتیت را در زیر پای یک مشت آقایان و مفت خوران فارس اسیر کرده! - اردیبهشت - (اتحادیه کارگران ایران)

از نشریه ستاره سرخ، ارگان مرکزی فرقه کمونیست ایران، به نقل از کتاب "ستاره سرخ"، که به کوشش حمید احمدی جمع آوری شده است.

یکنفر وکیل راست نظمه روز اول مرداد بظهران وارد و در جلسه دروازه همان ساعت بواسطه غفلت مامور فرار اختیار می کند. تیجه اعتصاب - وقتیکه باشات و نتایج اعتصاب نگاه می کنیم خیلی مهم است اولا تجربیات زیادی به کارگران داده ثانیا مبارزات طبقاتی و خاصیت و ماهیت حکومت حاضر را عمل نسبت بخود و سرمایه داران یکمده بخوبی و عنده دیگر تا اندازه فهمیدند. ثالثا - تخفیفات ذیل در کارخانه بدست آمد: ۱ - ساعت کار از ۱۲ ساعت به ۹ ساعت تقلیل یافته است.

۲ - تفتیش درب کارخانه لغو شد. ۳ - کافه برای چای خوردند و نهار خوردن تهیه شد. ۴ - ۲۰٪ اضافه حقوق منظور شده است.

باقیه از صفحه ۸ کارخانه وطن اصفهان

عضو هیئت اعلمه اتحادیه بودند جلس کردند. خاتمه داده شد و کارگران منظماً بکارخانه داخل شدند پس از هشت ساعت کار هنگی دست از کار کشیده پی کار خود رفتند و از طرف کارخانه هیچ مانعیتی بعمل نیامد. ولی شب آن روز رئیس کارخانه آمد و یکی یکی افراد را خواسته و می گوید هر چیزیکه می خواهید شخصاً مطالبه کنید و یا این جیله کاری شروع می کنند در بین کارگران اختلاف تولید منکر می شود.

در روز هیجدهم یعنی روز دوم خاتمه اعتصاب عده زیادی ازان مسلح در کلیه شعبات برای تهدید دیده شد و در دیگر که همان رفیق فرقی باشد بعد از ۷۰ روز به آباده تبعید شد و نظر پاینکه از طرف نظمه عکس مشارکی روحیات و احساسات کارگران خاموش و تخفیف یافته از طرف نظمه شروع بجلب افراد گردید در حدود ۲۵ الی ۳۰ نفر برای تحقیقات جلس و مرکز اعزام دارند. مشارکیه بمعیت

باقیه از صفحه ۱۰

# کارگران

چشمگیری داشته است. رسمی‌ها که از طرف دولت حمایت می‌شوند تنها یک سوم آنها را تشکیل می‌دهند. آنها که نخواشان رسمی نیستند و در اکثریت هستند مورد حمایت دولت و دادگاهها نیستند و اگر هم مورد تعریض قرار بگیرند، دولت هیچ دفاعی از آنها نمی‌کند.

سال گذشته ۸ مارس تعداد زیادی از زنان به خیابانها آمدند و بنام چند اتحادیه و سازمان زنان خواسته‌هایی را برای زنان اعلام کردند. تاثیر این اتحادیه‌ها و سازمانها در پیشوده حرکت زنان و خواسته‌ها و مطالبات آنها در چه حدیست؟

هشت اتحادیه زنان وجود دارد. هفت اتحادیه بنام سوتیالیسیم از زنان دفاع می‌کنند و هشتمنی که که بنام "مورگن"، فنیست است. این تشکیلها از جمع‌ها و محافل کوچک، زنانی است که حول اتحادیه‌های کارگری و احزاب فعالیت می‌کنند. وجود این سازمانها و اتحادیه‌های زنان در ترکیه نتوانسته تاثیری بر روی حرکت زنان بگذارد و در میان جنبش عظیم و معراض زنان نفوذ پیدا کند. این اتحادیه‌ها فعالیت و حرکتی ندارند و به غیر از ظاهر شدن در ۸ مارس و ابراز خود و خواسته‌هایشان هیچ شیوه اعتراضی دیگری برای دفاع از مطالبات زنان نمی‌کنند.

جامعه و تفکر حاکم بر آنها این زنان را میکروپ بحساب می‌آورد، در زنان نیز زنده‌بیان حکومت کردستان نیز با همین شیوه با آنها برخورد می‌کنند و تحقیرشان می‌کنند. این زنان در زنان از میچگونه خدمات در مواسی و بهداشتی برخوردار نیستند. به همین دلیل تعداد زیادی از آنها دچار انواع امراض کشته شده‌اند. اینان در انتظار روزی نیستند که از زنان رهایی پیدا کنند زیرا اگر از زنان هم آزاد شوند توسل والدین و وابستگانشان کشته می‌شوند. بنا به تفکر حاکم بر جامعه، به این زنان در جامعه‌جانی برای زیست داده نمی‌شود و به آنها بعنوان زنان بی‌ناموس و ... برخورد می‌شود. بعضی از آنها در زنان تا پای خود کشیده اند. یکی از زنده‌بیان که ۱۹ ساله است اکنون مدت زندگی تمام شده اما حاضر نیست زنان را ترک کند. زیرا علیرغم شرایط سخت زنان، می‌گویند اگر بیرون بروم کشته می‌شوم. خانواده‌های این زنان بخطاطر برخوردی‌های تحقیر آمیزی که بهشان می‌شود حاضر نیستند به ملاقات آنها بروند.\*

## اول ماه مه و اعتصاب کارگران کارخانه وطن اصفهان

۳ - اعتصاب هر آینه از روز بعد از عید که تعطیل عمومی بود شروع می‌شد موقتی‌ز و مهتر بود زیرا روز دوم اعتصاب که روز عید بود اینطور جلوه داشت که کارخانه خودش تعطیل کرده و آنروز در روحيات و احساسات کارگران تخفیفاتی داد رویه‌برفتند این موضع این اقدام را یکی از موقتی‌های مهم فرقه باید دانست و فعلاً در کارخانه مزبور چند نفر اشخاص جدی و امین و در عین حال فدایکار و با تجربه وجود دارند ولی وظیله فرقه می‌باشد که هر چه زودتر تشکیلات آنها را تحت نظم و ترتیب قرار بدهد.

از نشریه ستاره سرخ، ارگان مرکزی فرقه کمونیست ایران، به نقل از کتاب "ستاره سرخ" که به کوشش حمید احمدی جمع آوری شده است.

بر جامعه ترکیه و موقعیت زنان کار رنگ شده است. در جامعه ترکیه ادیان و مذاهب زیادی وجود دارد، اما اسلام دین اکثیر است. دین از دولت جدا است. هر کس آزاد است که دین خود را تعیین و یا عملی کند. این به معنای این است که این آزادی با مناسبات سیاسی و

تاتکیکی دولت همخوانی دارد. این آزادی که دولت از آن دفاع می‌کند تنها به علت زنده کردن کهنه پرست ترین و عقب مانده ترین جنبش است که جنبش اسلامی است، در مقابل رادیکالترين جنبش که در جامعه است

اگر دین از دولت جدا است پس چرا یکی از جزیه‌ای پارلمان، حزب اسلامی در پیشترین مناطق موجود است و هم اکنون موجود است.

فعلاً به دوشهی دیده می‌شود، آیا زنانی که به فحشا روی آورده‌اند از طرف دولت رسیت دارند، دولت تا

چه اندازه ای از حقوق آنان حمایت می‌کند؟

فعلاً طی سالهای اخیر روند

است. و در کارخانه‌ها به زنان کار نمی‌دهند و یا به سختی می‌توانند به کارخانه‌ها راه بپايد. اگر عدد کارگران زن را نسبت به مردان قیاس کرده باش، زنان بسیار کمی در کارخانه‌ها مشغول بکارند. اگر زن بخواهد به کارخانه راه بپايد، باید ازدواج نکرده باشد در غیر اینصورت باید بجهه نداشته باشد، بخاطر این شرط و شروط کارفرما تحریر می‌شود. شرایط کار

در این کارخانه‌ها برای همه کارگران سخت است. سطح و شرایط زندگی معیشت کارگران خیلی پائین است.

البته این شرایط برای زنان کارگر خیلی دشوارتر است و دستمزد زنان کمتر از مردان است، حق انتخاب نوع کار وجود ندارد. وضعیت فیزیکی و جسمی در نظر گرفته نمی‌شود. و حتی زن حق ندارد کار موره علاقه خود را انتخاب ممکن است. زنان را به کنج خانه و بی قوانین شریعتی در این سالهای اخیر روند جدی داشته است.

فعلاً به دوشهی دیده می‌شود، آیا زنانی که به فحشا روی آورده‌اند از طرف دولت رسیت دارند، دولت تا

چه اندازه ای از حقوق آنان حمایت می‌کند؟

فعلاً طی سالهای اخیر روند

موقعیت و جایگاه اجتماعی زنان در ترکیه چگونه است؟

دویست آزاد جنسی چگونه است؟

"الف، ن" (نام مستعار) یکی از فعالین جنبش برابری زنان در ترکیه است. سوسن سلیم دیر "گمیته دفاع از حقوق زنان عراق" با وی مصاحبه ای انجام داده و برای کارگر امروز ارسال کرده است، این مصاحبه توسط رفیق "محسن" به فارسی ترجمه شده است.

در اینجا پیشتر ظاهری است، انسانها بهتر است بگوییم زنان شهر و روستا، پیشتر در اسارت پیوندها و روابط خانوادگی و عشيرتی هستند. این روابط ایزاد جنسی را تحقیر می‌نمایند و آن را نشک می‌نمایند. بهره‌حال موقعیت زنان شهر به درجه ای که باشد از موقعیت زنان روستای بهتر است. زنان بودن یا نبودنشان ثابت شود. اگر زنان شهر به دیگرستان و دانشگاه داخل‌مرغان رفتن به زنان روستایی بهتر است. زنان بودن یا نبودنشان حقوق انسانی بی بهره اند. بزرده، خانه هستند. و در ارتباط با ازدواج و طلاق حق انتخاب ندارند. و حتی از حق طبیعی رفتن به مدرسه که ملاحظه قرار می‌گیرد. بنا برای این آزاد روابط جنسی وجود دارد، این آزمایش و معاینه چرا؟

تا چه حد طبق قانون مدنی دولت حقوق زنان را مدنی بگیرد و با تغییر و دگرگونی اوضاع سیاسی و اقتصادی حق کار و شغل برای زنان تا چه حد تغییر کرده است؟

## حملگی مشکلی بزرگ برای زنان کارگر

سر کار خود برگردند زیرا شغل شان را از دست داده بودند. این سر تیتر ها کارگران پر خرچ شده بودند. مطلبی است که اخیرا در یکی از روزنامه‌های کشیرالانتشار استرالیا بنام "تلگراف میر" چاپ شده است.

در این گزارش آمده است: کارفرماها معتقدند که زنان کارگر بخش م وقتی از زنان کارگر می‌گذردند. آنها معتقدند که زنان کارگر متناسب هر کاری نیستند زیرا هیکل شان و وضع ظاهرشان ممکن است ضرر و زنان به کارفرماها برسانند، به عنوان مثال، یکی از زنان کارگر فروشندۀ از به جم اینکه به میل و اراده خود زندگی آئی خود را انتخاب کرده اند اکنون محبوب است ضرر ملا، عام در فروشگاه دور باشد و مانشین اش از محل همیشگی برداشته شود تا مردم او را نمی‌شنند. یک زن به جم اینکه به کارگر فروشندۀ بجهه دار شدن در سر مادر از برگردند. آنها معتقدند که زنانی که در دوران پر خرچ شده از ابتدا به میل و اراده خود خود زندگی آئی خود را انتخاب کرده اند اکنون محبوب است ضرر ملا، عام در فروشگاه دور باشد و مانشین اش از محل همیشگی برداشته شود تا مردم او را نمی‌شنند. یک زن بجهه دار شدن در فرم درخواست کار گنجانده اند و عملاً از پذیرش زنانی که احتمال پر خرچ شدن در آینده را دارند، خودداری می‌کنند.

آخری جزوی ای بنام "چرا شما هرگز یک کارگر حامله در رستوران نمی‌بینید؟" در رابطه با تحقیر و بی‌عدالتی در مورد زنان منتشر شده است. در این جزوی همین خواهیم: زنان همچنان دسترسی به اشتغال و پیشرفت در کار را ندارند این امکان را کارفرماها از آنها سلب کرده اند زیرا زنان ممکن است روزی هوای بجهه دار شدن به شهادت، زید و مرد دو سهم، در دادگاه برای دارد و مادر از سهم در پدر حق دارد که فرزند را از مادر بگیرد. در رابطه با اirth زن یک سهم دارد و مرد دو سهم، در دادگاه برای شهادت، زید و مرد برابر هستند.

اگر زنی از چهارچوب علاقه خانوادگی و عشيرتی بپرسید بزود آیا

قانون از کشتن زن دفاع می‌کند؟

کشتن زن در قانون تحت هر نامی جنایت است و قاتل و یا متهمن محاکمه می‌شود. اگر چه قانون از این جنایت دفاع نمی‌کند اما در روسیه اگر زنی به کاری طبق خواسته از اینها سلب کرده اند زیرا زنان ممکن است روزی هوای بجهه دار شدن به سرشنان پزند. کارفرماها می‌شود، قانون نتوانسته جمله هستند به نسبت کارگران دیگر، اینها می‌گذرند و زنان تحت فشار و اجبار یا از داشتن شغل مسروط دلخواه و استعدادشان نداشتند اتفاق می‌افتد. زنان کارگر وقتی حامله می‌شوند زیرا نمی‌پیشرفت در شغلشان کم می‌شود، زیرا کارفرماها از کارگران مرد استفاده می‌کنند و زنان تحت فشار و اجبار یا از داشتن شغل مسروط دلخواه و استعدادشان نداشتند اتفاق می‌افتد. زنان کارگر شدن مثل یک مرضی سخت و ترسناک است و تو همیشه نگران هست. مثلاً اگر زنی بخواهد کار بگیرد، اضافه جلو اینگونه جنایات را بگیرد. اینها می‌گمیشند که زنان عراقی زنان خانوادگی داشته باشد. در غیر اینصورت به وی کار نمی‌دهند. و یا اگر زنی بخواهد خانه بخرد و یا سازاده باید اجازه خانوادگی داشته باشد. و یا اگر بخواهد در میخانه کار بگیرد علاوه بر کسب اجازه از خانواده باید از سال کار نکرده بودند. آنها که همای مادر شدن به سرشنان زد نتوانستند به



# بردگی مزدی

## ۶۴ سال پس از مانیفست کمونیست



نژاد  
بزرگی این عکس را تایپ نهاده  
کارگری

این عکس در اکتبر  
سال ۱۹۸۶ از یک  
معدن طلا بنام "سارا  
پلادا" در بربازیل و  
هنگامی که ۵۰ هزار  
نفر در آن کار می  
کردند، گرفته شده  
است  
عکاس:  
سباستیانو سالگادو

امروز

# WAGE SLAVERY

## 146 years after the Communist Manifesto

# WORKER TODAY

An Internationalist Worker's Paper

This picture was taken in October 1986 in a gold mine in Brazil called Serra Pelada which has no technology, only men. When the picture was taken, around 50,000 people were working there.  
Photographer:  
Sebastiao  
Salgado



## دو جریان در جنبش ۳۰ ساعت کار در هفته در دانمارک

محمود قزوینی

کاهش دستمزد که "مدل کارگران رفتگر" جزئی از آن است خواهان انعطاف پذیری ساعات کار روزانه نیز هستند. این جریان مرتب دریاوه فواید کاهش ساعت کار به ۳۰ ساعت با کاهش حقوق و از این طریق کاهش دستمزد کارگران و توان کارفرمایی برای استفاده از نیروی ذخیره کار که می تواند در واقع از دو شیفت ۶ ساعته (۱۲) ساعت کار در روز) بهره مند گردد داد سخن می راند و حساب و کتاب می کنند. در این میان جریان رادیکال درون اتحادیه ها مدت‌ها فقط منتقاد شعار کاهش ساعت کار با کاهش حقوق بود. البته در نشریات و مخالف مختلف اتحادیه های رادیکالتر زمزمه های ۳۰ ساعت کار در هفته و حتی ۲۵ ساعت کار در هفته با حقوق کامل در گشت و گذار بود. تا اینکه اتحادیه بنها در اوائل مارس سال جدید پرچم ۶ ساعت کار در روز بدون کاهش حقوق را بلند کرد. به تاسی از اتحادیه بنها، اتحادیه های دیگری هم به شعار ۳۰ ساعت کار در هفته بدون کاهش حقوق پیوستند. جان کریستین رهبر اتحادیه نقاشان با پشتیبانی از این شعار می گوید "ما در ضمن باید در مقابل هرگونه تلاش برای انعطاف و حفظ حقوق فعلی (یعنی حقوق ۳۷

ساعت کار به ۳۰ ساعت در هفته به نظر رهبر "آل او" و بخش اعظمی از انعطاف در ساعات کار روزانه یکی از عرصه های نبرد کارگران دانمارک با شاغلین و بیکاران معنی شده و با آمار و ارقام نشان می دهند که ۳۰ ساعت کار تازه به نفع کارفرمایها هم است. مثلا در سال گذشته مخالفت کارگران کشتارگاهها که می بایست به ۴ روز کار ۱۰ ساعت در هفته تن دهند یکی از پیروزیهای مهم کارگران آورده که به "مدل کارگران رفتگر" چندین بار تلاش آنها برای به اجرا گذاشتن این طرح با اعتراض نسبتاً طولانی مدت پاسخ گرفت و در آخر کارفرمایها مجبور به عقب نشینی شدند. جان کریستین می گوید در بخش کارگران نقاش ساعت کار روزانه از ۷ تا ۱۷ ساعت در روز متغیر و انعطاف دارد و این باید خاتمه یابد. شعار ۳۰ ساعت کار در هفته بدون کاهش حقوق و بدون انعطاف پذیری ساعات کار روزانه سریعاً نفوذ "مدل کارگران رفتگر" را که به مدل همبستگی میان کارگران مشهور شده بود در برخی از اتحادیه ها کنار زد و می رود تا جای آن بشنیدند.

مدافعین شعار ۳۰ ساعت کار در هفته با حفظ حقوق کامل تلاش دارند تا این مطالبه به یک مطالبه جدی در مذاکرات قرارداد سال آینده تبدیل شود و مدل کارگران رفتگر را سر راه جارو کنند. جریان رادیکال درون اتحادیه ها نیز به کارفرمایها دلگرمی می دهد که با استفاده از ۲ شیفت ۶ ساعته در روز از کاهش ساعت کار به ۳۰ ساعت نه تنها ضروری تراوخته دید، بلکه با استفاده از ۱۲ ساعت روزانه کار استفاده بیشتری هم خواهد برد. \*

بخشایی مهم از کل طبقه کارگر و جامعه به سمت گستاخ از سرمایه داری و رفمریسم از یکطرف و پارلماناریسم و مبارزه انتخاباتی و قانونی از طرف دیگر، مبارزه ای انقلابی برای کسب قدرت سیاسی و

برقراری اقتصاد سوسیالیستی را هستند که بتوان به این مطالبات صوری اکتفا کرد و آنها را مشکل سازمان دهد، بروزی از اتفاقات کشا دانست. قدان یک چشم انداز و یا بی چشم اندازی جامعه به زور اهدافش خواهد رسید.

از اوایل دهه هشتاد که سوسیالیستها پلاتفرم مطالباتی مشخص، که به قدرت رسیده اند جامعه فرانسه از فازهای مختلف رد شده است. انتظار و چیزی عمومی بدهد و مضمون و شیوه امید به تحول از بالا که در دوره اول حکوم بود، در چند سال اخیر جایش را تعیین کند، "وحدت" را حتی مضر و

## در خلاء بسر هی بزیم

نادر بکتاش



حمله پلیس به تظاهرکنندگان در فرانسه

بخشی از کارگران مبارز و در نتیجه به دلمردگی و نامیدی داد. در ماههای اخیر روحیه اعتراض و رادیکالیسم بر جامعه حاکم شده است. ۶۹ درصد مردم در انتظار یک بحران اجتماعی نه از طوف کارگران مورده استقبال قرار گرفت. چگونه کارگرانی که برای تامین زندگی روزانه خود از اضافه کاری و شغل دوم استقبال می‌کنند حاضر خواهند شد ۲۰ درصد کاهش در دستمزد خود را پیشیرند. پس از پیشنهاد رهبر "آل او" و هر اتحادیه کارفرمایها جواب منفی کارفرمایها را در مطبوعات اعلام نمود و در یک مصاحبه رادیو و تلویزیونی اعلام داشت که کارفرمایها در شرایط کنوی خواهان افزایش ساعت کار هستند، نه کاهش آن. کاهش ساعت کار به ۳۰ ساعت در هفته به نظر رهبر "آل او" و بخش اعظمی از اتحادیه های نبرد کارگران دانمارک با شاغلین و بیکاران معنی شده و با آمار و ارقام نشان می دهند که ۳۰ ساعت کار تازه به نفع کارفرمایها هم است. مثلا در سال گذشته مخالفت کارگران رفتگرگاهها که می بایست به ۴ روز کار ۱۰ ساعت در هفته تن دهند یکی از پیروزیهای مهم کارگران آورده که به "مدل کارگران رفتگر" گذاشتن این طرح با اعتراض نسبتاً طولانی مدت پاسخ گرفت و در آخر قسمت کرد که دولت مجبر است برای جلوگیری از آن دخالت کند. اما به زودی بسیاری از کارگران رفتگر را در انتظار این باشد که قدان چشم انداز و در نتیجه درجا زدن جنبش اعتراضی آنچنان روحیه مرگی را بر جامعه حاکم کند که مردم هر چیزی را پیشیرند. طبعاً وقوع یک برکت الهی" هم مثل قدرت گیری فاشیسم در روسیه یا ایتالیا، تشدید رقابت با آمریکا و حتی آلمان، شکل کار این عمل را غیر قانونی دانست و اعلام داشت که دولت مجبر است برای جلوگیری از آن دخالت کند. اما به زودی بسیاری از کارگران رفتگر را در انتظار این باشد که بازگشت به قرن نوزدهم و استقرار بروزگار شارل سرمایه (به اتفاق اسلحه اشکارتر بر سر آینده فرانسه است: وزیر کار متوجه شدند که "مدل کارگران رفتگر" نه تنها مضر نیست بلکه سودمندیهایی هم دارد. شاید کارفرمایها هم اکنون به دلیل تغییراتی که باید برای تغییر سازماندهی تولید خود برای سالهای آتی سالهای جنگی روز بروز بازگشت به قرن نوزدهم و استقرار بروزگار اجتماعی" حرث می زندند و در هر این هستند. جالب اینکه، ظاهراً حتی آقای شارل پاسکوا وزیر تلقیحات و شبه داری آشکار سرمایه (به اتفاق اسلحه و یا تحقیق ایدنولوژیک و خستگی روانی ناشی از بی چشم اندازی جامعه) و یا استقرار حکومت کارگری و سوسیالیسم و ورودی شایسته بشریت به سال ۲۰۰۰. \*

### بر سر دو راهی

"وحدت عمل سندیکایی" از قماش دمکراتیزه کردن سندیکاها است. هر دو می توانند - دمکراتیزه کردن عملیات و وحدت عمل در برخی موارد این فضای اعتراض و رادیکالیسم - مفید برای مبارزه کارگری با شند عموی جامعه خود را منسجم و متشکل کند و با سوق دادن حداقل



پلیس آنها را دستگیر کرد و بعد از ماهها مبارزه تعیین آمیز جنبش اتحادیه ای کارگران شکست خورد. بنابراین هم در بخش دولتی و هم در بخش خصوصی، دولت از اتحادیه های رسمی و کارفرماها چه مکریک و چه آمریکایی دفاع میکند تا این طریق جنبش کارگری مکریک را سروکوب کند.

همبستگی بین المللی کارگران دیگر کشورها با کارگران مکریک چگونه است؟

برخی از سازمانهای مذهبی جهانی جلساتی ترتیب میدهند و کارگران کشورهای مختلف، بوسیله کارگران صنعت اتوموبیل سازی، را دعوت به شرکت در آنها میکنند. این یک راه تناس و همبستگی است. بطور مثال اگر کارگران بزرگ، کانادا، انگلستان و آلمان که برای شرکت فورد یا فولکس واگن کار میکنند تجربیات و اطلاعات خود را زد و بدل کنند خود یک نوع همبستگی است. این میتواند به اشکال قوی تری از همبستگی تبدیل شود. بطور مثال اعتراض یا تحریم در سطح جهانی، البته تا آنجا راه درازی است. سازمانهای دیگری نیز هستند. سازمان "میادله اطلاعات مارواری مرز" که دفتر اصلی آن در آمستردام هستند است. این سازمان که فعالیتی در کشورهای مختلف دارد برای ایجاد همبستگی بین المللی کار میکنند.

کارگرانی که از نظر جغرافیایی از هم دور هستند مشکل بتوانند همبستگی مستقیم داشته باشند. ولی مهم اینست که اگر کسی نمی تواند در یک کشور دیگر حضور داشته باشد می تواند صرفاً اعلام همبستگی کند.

رادیکالتیرین اتحادیه های درون کنفرانسیون اتحادیه های دولتی یعنی اتحادیه کارگران صنعت هسته ای را تعطیل کرد. بنابراین سیاست سالینا تضعیف کردن و از بین بودن قدرت اتحادیه ها بوده است. زیرا این اتحادیه ها مدافعان ملی کردن صنایع بوده اند و از بین بودن آنها راه را برای فروش کمپانی ها هموارتر میکنند.

بگذارید نمونه صنعت فولاد را بگوییم که به بیکاری و سیع منجر شد. همه میدانیم که در سطح جهانی تولید مازاد فولاد وجود دارد. مکریک چندین مجتمع قیمتی فولاد دارد. یکی از این مجتمع ها توسط دولت بسته شد و همه کارگران اخراج شدند که برای مردم منطقه شوک آور بود. شیوه این واقعه در پیتسبرگ آمریکا و بلوک اتفاق افتاد.

### آیا نکته دیگری دارد؟

بله. فکر میکنم باید به سیاست سالینا در بخش خصوصی هم اشاره کنم. سالینا تلاش کرده است که کمپانی ها و اتحادیه کارگران و در جریان این دعوا اتحادیه های سیتیام دفاع کند. این اتحادیه های علیه کنترل کارگری است. دولت چندین انتساب وسیع و سپس خشونت آمیز (ترمینولوژی بوروکراسی دولت و اتحادیه - دان لابوتزا) از طرف کارگران شرکت های تورنل، آجرو سازی مودلو و اتوموبیل سازی فورد صورت گرفت. کارگران خواهان افزایش دستمزد بودند و برای دموکراسی در تعطیل کرد.

آمده اند و اقامت این دیگر نمی توانند از فرزندانشان مراقبت کنند. بسیاری از کارگران حتی مجبورند فرزندان نوزاد و کوچک خود را در خانه تنهای بگذارند و خود بر سر کار بروند. ۶ - بیکاری، طبق گزارش متخصصین بیکاری در مکریک ۲۵ درصد است.

عکس العمل کارگران مکریک در مقابل سیاست سالینا مبنی بر خصوصی کردن صنایع چیست؟

فکر میکنم کارگران زن که کار مشابه سالینا تلاش کرده است که کمپانی های دولتی را به بخش خصوصی بفروشد. یک کمپانی که اتحادیه های شبابی شده اند در نزد یک خریدار خارجی تکنیکی. هنگامیکه شرکت های و مجتمع ها دایر شدند بسیاری از کارفرمایان ترجیح دادند زنان را استفاده کردند: دلایل زیادی وجود دارد. او لا میخواستند بخش دیگری از نیروی کار که تجربه کمتر داشت و اتحادیه هایشان ضعیفتر بودند را جذب کنند. هم زمان برای افزایش دستمزد برای حق انتخاب رهبران خود نیز مبارزه میکنند. در برخی از موارد مبارزه کارگران تا حد حق تشکیل اتحادیه های مستقل پیش می رود. زیرا می دانند که تا موقعی که اتحادیه شان تحت کنترل حزب دولتی است نمی توانند کاری از پیش ببرند.

مشکل دیگری که کارگران مکریک هنگام مبارزه برای افزایش دستمزدها و یا هر خواسته دیگر با آن مواجه میشوند اینست که تشکل مستقل خود را ندارند. در نتیجه مطالبه فوری دیگر کارگران دموکراتیزه کردن اتحادیه ها است. روند هر مبارزه کارگران مکریک مشابه است. کارگران برای افزایش دستمزدها بسیج میشوند و اتحادیه مطالبات آنها را پیش نمیرد، فراخوان جلسه فوق العاده میدهند. رهبر اتحادیه را بیرون میکنند و یک نفر دیگر را انتخاب میکنند که دولت بررسیت نمیشناشد. بد عبارت دیگر هم زمان برای افزایش دستمزد برای حق انتخاب رهبران خود نیز مبارزه میکنند. در برخی از موارد مبارزه کارگران تا حد حق تشکیل اتحادیه های مستقل پیش می رود. زیرا می دانند که تا موقعی که اتحادیه شان تحت کنترل حزب دولتی است نمی توانند اتفاق متشابه ای در اروپای شرقی سال ۸۰ و یا مبارزه کارگران آمریکا در دهه ۲۰ علیه اتحادیه های کمپانی و در اسپانیا مبارزه کارگران علیه اتحادیه های فاشیست دوره فرانکو مشاهده کردیم. مطالبات کارگران افزایش دستمزدها و همچنین دموکراسی در اتحادیه است.

وضعیت کارگران در منطقه مرزی ماکیلادورا چگونه است؟ چرا شرک ها و کمپانی های آمریکا بد این منطقه انتقال پیدا می کنند؟

مکریک در سال ۱۹۶۵ قانونی تصویب کرد که طبق آن شرکت های خارجی اجازه داشتند در خاک مکریک شرکت دایر کنند. این شرکت ها عمدتاً شرکت های موتتاژ یا بسته بندی هستند. کمالهایی که بعداً قرار اداده شدند در دهه ۷۰ مورد استفاده قرار گیرند، مثل سیم هایی که شبیه سیستم الکترونیک اتوموبیلها را تشکیل می دهد. ایده اولیه این بود که این شرکت ها از شرکت های اتصال کارگران این مناطق شوند کارگران اصرار زنده به مشکل کارگران این مناطق شدند در این اتحادیه ها ندارند.

مشکلات کارگران این منطقه بسیار است. ۱ - دستمزدهای نازل، ۲ - اینست محیط کار. بسیاری از مواد شیمیایی که در ماکیلادورا مورد استفاده قرار میگیرد در آمریکا بدلیل اینکه سرطان زا هستند در اقتصاد مکریک ادغام شوند. ماتریال از کشورهای دیگر، عمدتاً از آمریکا، آورده می شود و در مکریک ممتاز میشوند و سپس به آمریکا منتقل میشوند. تنها تاثیر آن در مکریک این بود که کارگران بخش معینی شغل پیدا میکردند و در قبال

آن دستمزد دریافت می کردند. برخلاف قانون مکریک که تنها مکریکی ها میتوانند کارخانه و شرکت داشته باشند، صاحبان این کمپانی ها غیر مکریکی هستند و مجبور به پرداخت مالیات واردات و صادرات نیز نمی باشند. این کمپانی ها در دهه ۷۰ سریعاً در مکریک تشکیل شدند و هم اکنون ۱۹۰۹ کمپانی ۳۷۱۷۸ کارگر، که

### اعتصاب عمومی در مراکش

## جدال بو سر ثبت قانون حق "آزادی اعتراض"

ارسال داشته و در آن از اعتراض عمومی ۲۵ فوریه به عنوان حق قانونی نام برد، زیرا در این کشور حق اعتراض یک حق بوسیط شناخته شده بوده و عدم تصویب قانون تشكل نمی تواند این حق را از کارگران سلب نماید. همچنین در نامه آمده است که اعتراض وسیله ای مشروع و متعارف برای کارگران بوده و تمامی جهان نیز با این حق آشناست، لذا دولت نمی تواند آن را باز پس بگیرد و منع برعایت اعتراض کارگران به معنی چشم پوشی دولت از دستورات کشوری است.

ترجمه از کردی به فارسی: بهار

اتخاذ تصمیماتی در قبال پیش آمدن تحولات و توازن قوای تشکل در این از طرف دیگر "اتحادیه سراسری کارگران شاغل" اعلام نمودند که در اعتراض عمومی شرکت نخواهند کرد اما در بیان نامه ای شدیدالحن حکومت مراکش در ادامه چندین سال مبارزه خود، حق برعایت اعتراض محکوم و پشتیبانی قاطع خود را از مطالبات اتحادیه کنفرانسی دانلابوتزا از حکومت شان تحمیل نموده اند. در تقابل با این تصمیم حکومت مراکش، تشکلهای کارگری دست به حرکتی سراسری زده و به همین مناسبت "شورای ملی کنفرانسی" دمکراسی کار" که با نفوذیتین تشکل کارگری در سراسر این کشور می باشد توسط بیان نامه ای اعتراض عمومی را در روز ۹۴/۲/۲۵ به منظور اعتراض به این تصمیم دولت مراکش فراخوان داد. "شورای ملی کنفرانسی" دمکراسی کار" در این رابطه سریعاً دست به تشکیل مجمع عمومی فوق العاده زد و دفتر اجرائی را که رهبری این تشکل در فاصله مجامع عمومی را به عهده دارد، موظف به تاسیس توافق توافق بر سر برنامه قانونی دولت در رابطه با آزادیها داشته باشد. در مقابل این چنین سروشهای اجرائی نمود، همچنین دفتر اجرائی دفتر اجرائی کنفرانسی دمکراسی کار" نامه ای برای وزیر اداری



## میزگرد جمعی از رهبران

اتحادیه بیکاران کردستان عراق  
برای بررسی اختلافات درونی اتحادیه

ما اختلاف بوجود می آورد و ما را هنگامیکه ما با وزارت داخلی مناکره از هم جدا میکرد.

**کازاو جمال:** من ریشه اختلافات این دوره در اتحادیه بیکاران را در بی بدلی سویسالیسم کارگری در رابطه با سازماندهی توده ای کارگران می بینم. کسی نمیتواند منکر باشد که به میدان آمدن این سازمان رادیکال کارگری پیش روی سویسالیسم کارگری بود. آکسیون اعتراض به ترور رفیق نظری عمر (از فعالین اتحادیه بیکاران) که توسط حاکمان کردستان از خانه اش ریوهد شد و جسد شکنجه شده اش چند روز بعد پیدا شد) تنها یک نمونه از حرکتهای رادیکال اتحادیه بود. پاسخ ندادن سویسالیسم کارگری به معضلات واقعی اتحادیه آن را به جهتی دیگر میکشاند. این کار وظیفه گرایش کمونیسم کارگری و حزب کمونیست کارگری عراق بود. ما میدانیم که این خصلت اتحادیه است که اگر ولش کنی به راست میرود. اما من این نظر را قبول ندارم که گویا اتحادیه از اهداش دورشده و بطری بورژوازی رفته است. این تشکیلات به سنت شوایپی متکی است و تاکنون هیچ گرایشی به این سنت پشت نکرده است.

اختلافات اخیر به اتحادیه ضربه زد، چه در بین بیکاران، چه در صنه اجتماعی و در جنبش کارگری و چه در مقابل بورژوازی، اتحادیه تنزل کرد. این

یکی بر سر طرح سازماندهی بود. داشتیم و حمله بورژوازی را حس کردیم، گفتیم که ما رهبران از توده بیکاران بردیم و جلد ما فقط بصورت طرح ماند و به مجمع عمومی نرفت. و حتی ما نمایندگانی نبودیم که در مجمع عمومی انتخاب شده باشیم. علاوه بر آن در بعنوان عظیم کردستان وضعیت طوری نبود که ما با بورژوازی بر سر اصلاحات به توافق برسیم و این بستگی پیدا کرده بود به عقب بیندازیم و آن را لغو نکنیم تا وقتی

خواستهای ما جواب نداد ما به این نتیجه رسیدیم که مناکره کردن نمیتواند خواستهای ما را به حکومت بقولاند، لذا ما فراخوان یک آکسیون دادیم و همکی هم موافقت بودیم. قبل از آکسیون چند نفر از فعالین اتحادیه و کمیته عالی آن دستگیر شدند. در نتیجه اختلافاتی در بین ما بوجود آمد. یکعدد خواهان لغو آکسیون بودند. ما جمعی که هیئت رهبری آکسیون بودیم گفتیم آکسیون را به عقب بیندازیم و آن را لغو نکنیم تا وقتی



دفتر اتحادیه بیکاران کردستان عراق در سلیمانیه

سنت چه است که طبق ذهنیت خودش گرایش بنده میکنند میانظور نیست که هر کس عضو حزب کمونیست کارگری عراق نباشد طرفدار کمونیسم کارگری نیست. به نظر من رهبران و فعالین هر دو طرف اختلاف، فعالین سویسالیسم کارگری هستند. در بی بدلی سویسالیسم کارگری است که بنظر من هر دو طرف چه بخواهیم چه نخواهیم رو به راست کرده اند، تا این بی بدلی موجود باشد این وضعیت ادامه دارد.

**مظفر محمدی:** رفیق عبدالله سلیمان، شما در صحبتیات تیجه کشمکشاهی اخیر را موفقیت اتحادیه بیکاران ارزیابی کردید. درست فهمیده ام؟

**عبدالله سلیمان:** بنظر من آنطور که بورژوازی خواست اتحادیه بیکاران را از مسیرش به نفع خود بچرخاند عاجز ماند و این موقتیت سویسالیسم کارگری بود که کاری کرد تله و دامهای بورژوازی به ناکامی منجر گردد. آنچه که اتحادیه بیکاران به دو قسمت تبدیل شد به مصلحت طبقه کارگر نبود اما بنظر من بورژوازی به تیجه مورد نظر خود نرسیده است.

**مظفر محمدی:** رفیق صلاح شما گفتید که نمایندگان منتخب مجمع عمومی نبودند، بنظر شما نیشود عددی کارگر سویسالیست و کارگرانی که برای منفعت کارگر کار میکنند جمع شوند و یک تشکیلات کارگری را اعلام کنند، در بین خودشان نماینده انتخاب کنند و بروند این تشکیلات را توده ای کنند؟

که بتوانیم آن را با موقوفیت انجام میکردم و چراغ سبزهای از روی ناجاری دولت را باور نکنیم. طرح آکسیون موافقین و مخالفین داشت. دولت از ترس آکشین خود را جمع و گرد و پولهایش را از بانکها خارج کرد و نیروهای زیادی به شهر آورد اما مخالفین نگذاشتند آکسیون صورت پیکرید. حتی راستش آکسیون میرفت از دست مسئله این آکسیون و نشست ۹۳/۹/۷ با حاکمان کردستان شد که اصلاحاتی بکند و ما میخواستیم آکسیون یعنوان فشاری بر سر آنها بماند. بهر حال لغو آکسیون به نفع بورژوازی تمام شد در حالیکه تنها در شهر سلیمانیه ما ده ها هزار کارگر آنطور که رفیق عبدالله سلیمان میگوید نیست بلکه اختلاف بین تعدادی که فرست طلب بودند و جمع دیگری که جدایی کشاند. از نظر من گرایشات آنطور که رفیق عبدالله سلیمان میگوید نیست بلکه اختلاف بین تعدادی که فرست طلب بودند و جمع دیگری که میخواستیم آکسیون یعنوان فشاری بر سر آنها بماند. بهر حال لغو آکسیون به نفع بورژوازی تمام شد در حالیکه تنها در شهر سلیمانیه ما ده ها هزار کارگر و زحمتکش پشت سر داشتیم و حکومت ضعیف بود و حتی میتوسید تدریج سیاسی را از دست بدهد. بعثت دیگر بر سر بیانیه ای بود که پس از هم از آنها پشتیبانی کرد. جمعی هم ملاقات با جلال طالباني صادر شد. بیانیه شامل ۳ بند بود از جمله اینکه: اتحادیه مستقل است، اتحادیه رفرم میکند و بالاخره اتحادیه دولت را سرنگون نمیکند. سر بند اول و دوم حرف زیادی نبود و بند سوم به دلیل بهانه دولت بود که میگفتند شما میخواهید ما را سرنگون کنید. پس دیگر حرف از رفرم و غیره زیادی است. با وجود این، این بند اشتباه بود و در تاریخ ۹۳/۱۰/۱۴ همه به بیانیه انتقاد داشتند و دیگر کش دادن دیگر بر سر بیانیه ای بود که پس از هم از آنها پشتیبانی کرد. جمعی هم ملاقات با جلال طالباني صادر شد. بیانیه شامل ۳ بند بود از جمله اینکه: اتحادیه مستقل است، اتحادیه رفرم میکند و بالاخره اتحادیه دولت را سرنگون نمیکند. سر بند اول و دوم حرف زیادی نبود و بند سوم به دلیل بهانه دولت بود که میگفتند شما میخواهید ما را سرنگون کنید. پس دیگر حرف از رفرم و غیره زیادی است. با وجود این، این بند اشتباه بود و در تاریخ ۹۳/۱۰/۱۴ همه به

بیانیه انتقاد داشتند و دیگر کش دادن پیغام بود. من در تشریه سه رنجی کریکار ۹۳/۳/۱۷ گفته بودم که به نظر من جدایی که در اتحادیه بیکاران روی داد یک جدایی واقعی نبود. اولاً نقطه ضعی که ما داشتیم این بود که توانستیم توده وسیع بیکاران را مشکل بکنیم. شاید این هم به هم یک دلیلش این بود که ما اولین بار بود اتحادیه درست کردن را ترجیه میکردیم و آنهم با افقی نا روشن. اتحادیه انتقالی است و در زهای طبقه کارگر شرک است و تازه من به امجد غفور (از اعضای رهبری حزب کمونیست کارگری عراق) انتقاد داشتم که نوشته بود یکعدد فرست طلب بودند و کسانی هم با بندهایی به ناسیونالیسم مبارزه اقتصادی بکنند. خلاصه بگویی در حالیکه امر ما سازماندهی بیکاران موضع انقلابی داشتند. گفتم کشمکش بروی بیکاران بود آرden مطالباتش بود، این کشمکشها ما را به غصب میزاند و بین

خواستها و مطالبات رادیکالی را در جامعه نمایندگی میکند. بنا به این دلایل بورژوازی از همان ابتدا مشغول چین نقشه های خود شد، چه از طریق کنند و طرحهایی از این قبیل و حزب کمونیست کارگری عراق هم از طریق نمایندگانش اطلاع داد که موافق لغو آکسیون است. سر انجام آکسیون لغو شد. مسئله این آکسیون و نشست ۹۳/۹/۷ با

اعتداله سلیمان عضو کمیته عالی اتحادیه و سردبیر روزنامه صدای بیکاران کارگری عراق است و اتحادیه بیکاران کارگری هیئت رهبری سیاسی و چه از طریق تهدید فعالین اتحادیه از جانب تشكیلاتی ناحیه ایش و تعقیب آنها. جلال طالباني در نشست ۹۳/۹/۷ با کمیته عالی اتحادیه بیکاران گفت که کمیته عالی کهی حزب کمونیست کارگری عراق است و اتحادیه بیکاران منصور حکمت است. شما میخواهید حکومت را برداشت و کارتلان رفم نیست و این برای ما مایه نگرانی است. تحت این فشار و تهدیدها بود که بیانیه ۹۳/۹/۲۷ از جانب رهبری اتحادیه بیکاران کردستان عراق اخلاقیات رخ داده و در نتیجه آن کرد و این خود نشان دهنده اختلاف گرایشات در اتحادیه بود که از ظرف نظرخان در مورد این کشمکشها چیست و آن را چگونه ارزیابی میکنید؟

**مظفر محمدی:** میدانیم که این اوآخر در سطح رهبری اتحادیه بیکاران کردستان عراق اختلافاتی رخ داده و در نتیجه آن کرد و این خود تقسیم شده است. نظرخان در مورد این کشمکشها چیست من عبارتند از گرایش سویسالیسم کارگری و ناسیونالیسم پچ و مجموعه اسناد و کارهای این گرایش دوم که گفتم چه بخواهند، چه نخواهند به نفع بورژوازی بود. که جدا شده از فعالیتین و رهبران اتحادیه هستند و جدایی آنها از افراد گرایشات در اتحادیه بود که از ظرف نظرخان در مورد این کشمکشها چیست و آن را چگونه ارزیابی میکنید؟

عبدالله سلیمان: من اختلافات را نه بلحاظ اساسنامه ای و یا اخلاقی بلکه در متن اوضاع بورژوازی بود. با وجود این و منطقه می بینم بورژوازی، سویسالیسم کارگری سریلاند بیرون آمده و اتحادیه در جهت اهداف شکوفایی را داشته است و موقعیتی که سازمانهای کارگری و بخوص

اعتداله سلیمان: اتحادیه ما در کشمکشها طبقاتی و اجتماعی داشته، بورژوازی را ناجار کرده است تا برای آن حساب ویره ای باز کند و به مقابله با آن برخیزد. حزب کمونیست کارگری عراق بود و به اتحادیه بیکاران از دو جنبه برای تشكیلاتی های حاکم نگران کننده بوده میخواستند نظر خود را پیش ببرند و علاوه بر آن اختلافی بود که در مورد آکسیون ۹۳/۶/۱۹ بوجود آمد. پس کارگری عراق است و دوم اینکه از مذاکرات بی نتیجه با دولت که به



دور اینها جمع نیشود؟ اینها نقاط مشترکی هستند که اتحادیه بیکاران کردستان میتواند حول آن متعدد و پیش برود.

دیگر رابطه اصلاحات و انقلاب، افق عالی، سیاست بی ابهام، تحلیل اوضاع منطقه و جهان... و بگذار جای دیگر پاسخ بگیرند...

\* کسی با اینها مخالف است؟ آیا کارگر

یعنی به سیاست بی تفاوت نیست. از آزادیهای فردی و اجتماعی دفاع میکند، اگر زن را میکشند ساكت نمیشوند، که تلاش میکند پشتیبانی و همکاری کارگران شاغل را جلب کند، که به همبستگی کارگری سراسری در عراق و جهان متکی است.

کسی با اینها مخالف است؟ آیا کارگر قویش کود و توده ایش کرد. اینها کدامند؟ من در تمام مباحث و جملها، حقیقت نقااط مشترک و توافق نظر بیشتر دیدم تا اختلاف. اما مشکل اینست، چند نفر که یک حرف را با کلمات متفاوت بیان می کنند، نمیخواهند پیشبرند و بگویند که طور است هر قدر کارگر بعیدان آمده باشد زیر فشار جنبش او بورژوازی برای مستقل کارگری با هر تعییر که هر اینکه خود را نگه دارد اصلاحاتی کرده کسی از این استقلال میکند اما در حقیقت مستقل از بورژوازی وجود دارد.

حزب کمونیست کارگری عراق نیتیواند از این کلمه برنجد چون حقیقت اگر طالبانی نیست. آنچاست که چقدر نیرویمان متعدد است، چقدر آگاه است، این حزب انتساب نایذر است. راه وسطی وجود ندارد. یک اتحادیه مستقل کارگری

اشکال آرام و بس در دسر نپردازم. مبارزه ما جای دیگر است. ترجم جلال این اتحادیه مستقل از بورژوازی باشد، تبعیض از سیاست کارگری این حزب اجتناب نایذر است. راه وسطی وجود نیست که سیاستی پشتیبانی شغل

بهر حال اینها نمونه های اختلافات میکند بودند و پشتیبان اتحادیه بیکاران و کمک برایش جمع

نشینی جهانی است. اگر کارگران شاغل نشده اند، کارگران کارخانه ها مستقل

میکند متشكل نشده است. علت اساسی ضعف جنبش است و عقب

نشینی جهانی است. اگر کارگران شاغل

بهر حال اینها نمونه های اختلافات میکند بودند و پشتیبان اتحادیه بیکاران و کمک برایش جمع

میکند، اتحادیه به گذایی دولت نمی

برآید چرخاندن کارها. ضعف جنبش روی

همه سا تاثیر گذاشته است. همه ما احساس ضعف میکنیم که قدرت کارگر

به میدان نیامده است. اما این راه چاره

یک چیزی که دنبال حرف رهبر بورژوازی نیست که اتحادیه را بر مبنای آن سر پا کرد و بررس اتفاق میافتد بی تفاوت نیست،

## اطلاعیه ایجاد

### کمیته موقت اتحادیه کارگران کارگاهها و پروژه های خصوصی - هه ولیر، کردستان عراق

ما بعنوان بخشی از طبقه کارگر در بدترین وضعیت کار و زندگی بسیار بیرون از ابتدائی ترین حقوق محرومیم. (ساعت کار طولانی، کار سخت و دستمزد پائین که کمترین مایحتاج زندگی را تامین نمی کند. نامنی محیط کار و نبودن تامین اجتماعی)

این وضعیت باعث افزایش نارضایتی و اعتراضات روزانه کارگران شده است. اما بی توجه ماندن و شکست خوردن این اعتراضات به علت مستقل نبودن و پراکنده بودن صفومن است. این مستله رهبران و فعالین کارگاهها را به این فکر انداخت که جمیع و جوړ نمودن نیروی متعدد و پایان دادن به پراکنده بودی، لازم است که کارگران این بخش در تشکل نیروی متعدد خود را جمع کنند و صفومن را سازمان دهند، تا بتوانند شرایط کار و زندگی را بهبود بخشنند.

#### رفقای کارگر

جهت حقیق اهداف و مطالباتمان، ما در حال حاضر جمعی از فعالین و پیشوanon کارگران کارگاهها و پروژه های خصوصی کمیته موقت برای اتحادیه کارگاهها و پروژه های خصوصی را ایجاد کرده ایم. از همه کارگران شاغل و بیکار کارگاهها و کوشش مشترک تشکل نیرومند خود را ایجاد کنیم. با مستقل شدن، اهدافمان متحقق می شود.

کمیته موقت برای ایجاد اتحادیه کارگران کارگاهها و پروژه های خصوصی - هه ولیر

آدرس : کردستان عراق. شیخ الله - مقابل میدان انقلاب. دفتر اتحادیه بیکاران کردستان - هه ولیر.

کارگر امروز از اقدام این رفقا حمایت می کند و برای آنها آرزوی موفقیت دارد. این رفقا برای ادامه و گسترش فعالیت خود نیاز مبرمی به کمک مالی دارند و لذا از خوانندگان کارگر امروز می خواهیم به این رفقا کمک مالی کنند. کمک های مالی شما هر چند اندک قم باشد گره گشای فعالیت این رفقا خواهد بود. کمک های مالی خود را می توانید از طریق کارگر امروز ارسال کنید.

## دو دفتر نیمچه

### "جهان نماد مضحک" و " توفان "

از سلیمان قاسمیانی منتشر شد

"جهان نماد مضحک" حاوی ده شعر در ۸ صفحه و " توفان " که به زیان کردی است حاوی ۱۲ شعر در ۷۵ صفحه است.

بهای هر جلد با احتساب هزینه پستی ۵۰ کرون سوئد است. علاقه مندان به دریافت این کتابها می توانند مبلغ ذکر شده را به حساب پست جیروی: NKL - ۴۶۱۸۳۶۰ در سوئد واریز و فیش پرداخت را به آدرس زیر بفرستند تا کتابها برایشان ارسال گردد.

NKL  
BOX 6040  
424 06 ANGERED  
SWEDEN

را یک رفیق و همکار شما، یک زن کارگر در یکی از جلسات خودتان جواب داده است. این زن کارگر که فعل اتحادیه کارگاههای خصوصی است چنین میگوید: "بیانیه کنوی از کجا در آمده است؟ علت آن چیست؟ از چه نیازی سرجشید گرفته است؟ اتحادیه بیکاران قبلا نگفته بود دولت را سرنگون میکند، تا حالا بگویند نمیکنم. دلیلش این است احساس ضعف میکنیم. توده و سیع کارگر هنوز دور ما جمع نشده است. اس نویش اند اما هنوز دخیل و فعال نشده اند. کارگران کارخانه ها مستقل نشده اند. کارگری که ۱۲ ساعت کار میکند متشكل نشده است. علت اساسی ضعف جنبش است و عقب نشینی جهانی است. اگر کارگران شاغل متشکل بودند و پشتیبان اتحادیه بیکاران و کمک برایش جمع میکردند، اتحادیه به گذایی دولت نمی رفت و مذکور بزر سر کمک به اتحادیه برای چرخاندن کارها. ضعف جنبش روی همه سا تاثیر گذاشته است. همه ما احساس ضعف میکنیم که قدرت کارگر به میدان نیامده است. اما این راه چاره نیست که دنبال حرف رهبر بورژوازی بروم و اعلام استقلال کنم که چیزی بهم بدهد. او گفته من به نام اتحادیه میهنه چیزی به شما میدهم تا به اس او حرف زده شود یا به نام اتحادیه میهنه چیز توزیع کنند. من منظور این نیست که شما این کار را میکنید ولی منظور آنها روش است. ..."

## فرآخوان در رابطه با

### اختلافات اخیر در اتحادیه بیکاران کردستان عراق

چنانکه آشکار است پس از جنگ خلیج اوضاع بسیار ناگواری برای کارگران عراق فراهم شد، بیویه در کردستان در سایه حاکمیت حکومت منطقه کردستان حیات و معیشت کارگران بخصوص بیکاران روز به روز رو به رخامت بیشتر گذاشته و میگذارد و گرسنگی و بیکاری دانما گسترش میباید.

تشکیل اتحادیه بیکاران کردستان نقطه قوت نیرومندی در مستقل کردن بیکاران در تشکل مستقل طبقاتی خودشان برای کسب "کار مناسب و مذکور" با تکیه به نیروی توده ای بیکاران و با حمایت کارگران منطقه و جهان بود.

ما امضا کنندگان زیر پس از یک بحث و گفتگو درباره اختلافات درونی اتحادیه که بعداً منتشر میشود نظر خود را به شرح زیر اعلام کرده و توجه کلیه رهبران و فعالین اتحادیه بیکاران و جنبش کارگری در کردستان را به نکات زیر میگذاریم:

اختلافات اخیر در اتحادیه بیکاران در حقیقت اختلافات واقعی درون توده بیکاران نبوده و پاکشانی بر این اختلافات و ادامه آن به سود جنبش بیکاران و کل جنبش کارگری در کردستان نیست بلکه باعث شکاف در صفو کارگران و تضعیف آن خواهد شد. لذا ما خواستار اتحاد و یکپارچگی توده بیکاران در تشکل مستقل میگذاریم.

اتحادیه بیکاران کردستان یک مستقل مذکور است و وظیفه فوری آن مبارزه برای تامین کار مناسب و بیمه بیکاری برای همه بیکاران است.

اتحادیه بیکاران کردستان به اعتراض و مبارزه توده بیکاران مذکور است و راههای قانونی از جمله مستقله استفاده میکند.

اتحادیه بیکاران کردستان به مجمع عمومی بیکاران مذکور است و نایندگان خود را از طریق مجمع عمومی انتخاب کرده و یا عزل مینمایند.

اتحادیه بیکاران کردستان از آزادی بی قید و شرط سیاسی و آزادیهای فردی و اجتماعی در جامعه دفاع میکند.

اتحادیه بیکاران کردستان کارگران شاغل را به پشتیبانی از خود فراخوان میدهد و خواستار هماهنگی و متعدد انتخاب کارگران شاغل و بیکار در سطح عراق، منطقه و سراسر جهان است.

ایشان را از دوستان شما در یکی از جلسات جواب این مستله را داده است، دلم میخواهد یک بار دیگر آن را یا هم بشنویم.

او میگوید: "در کردستان هر چه مسجد ویران بود آباد شد، هر چه سیطره (پایگاه نظامی) ویران بود آباد شد، هر چه ارجاع است زنده شد، تمام





**Worker Today:** The oil workers have traditionally played a prominent role in the Iranian labour movement. In what position are they now?

**Kaveh Assadi:** The problems facing the oil workers are, broadly speaking, the same problems that confront the working class in Iran as a whole. The first difficulty is the lack of a general labour organisation. I think one of the major obstacles to building labour organisations is that there aren't enough experienced workers and labour activists. In the oil industry, specifically, the different composition of the workers - in terms of the varying conditions of their employment - has kept the workers fragmented. The employment categories in the oil industry is as follows:

- workers with contracts of three months and ten days (known to workers as *Seegheiee*; a pun on the "temporary marriage" practice allowed for men under Islam.);
- workers on yearly contracts;
- workers covered by the oil industry.
- workers on one-year apprenticeship; they should be hired at the end of the one-year period on a formal basis, but some have been on apprenticeship for three years without any formal notice of employment; and finally,
- workers who are formally employed; they are fewer in number than the above categories together.

Another problem of the workers today is job insecurity. Many have lost their jobs under different pretexts in the various industries. Other, more general, issues like inflation only compound the difficulties.

In the years before the Revolution in 1979, workers sometimes managed to win a thing or two through the same state trade unions. For example, there was a 15-day travel allowance over the period of the holidays. But this was abolished under the Islamic Republic. Or a collective bargaining scheme, which meant that meetings would be held once every two years to decide the level of wages, allowances and overtime pay. But after the Revolution, and with the start of the Iran-Iraq war, all of these were cut. Workers got promises that after the end of the war all the outstanding allowances would be paid, but nothing happened. This was incidentally one of the demands of the 1991 oil strike. In that strike they told workers that the allowances would be paid, but again nothing has yet happened.

Another issue is worker home loans. Previously, these were interest-free; now, after repeated applications, you get one with a four per cent interest. And once you take out a loan, you lose your right to housing allowance. Workers have always objected to these decisions, but only a bunch of Islamic and Shari'a laws have been mentioned in reply. In short, the conditions are getting worse everyday and workers have been more and more on the defensive. The implementation of the plan of mass job cuts in the past few months have made the conditions worse.

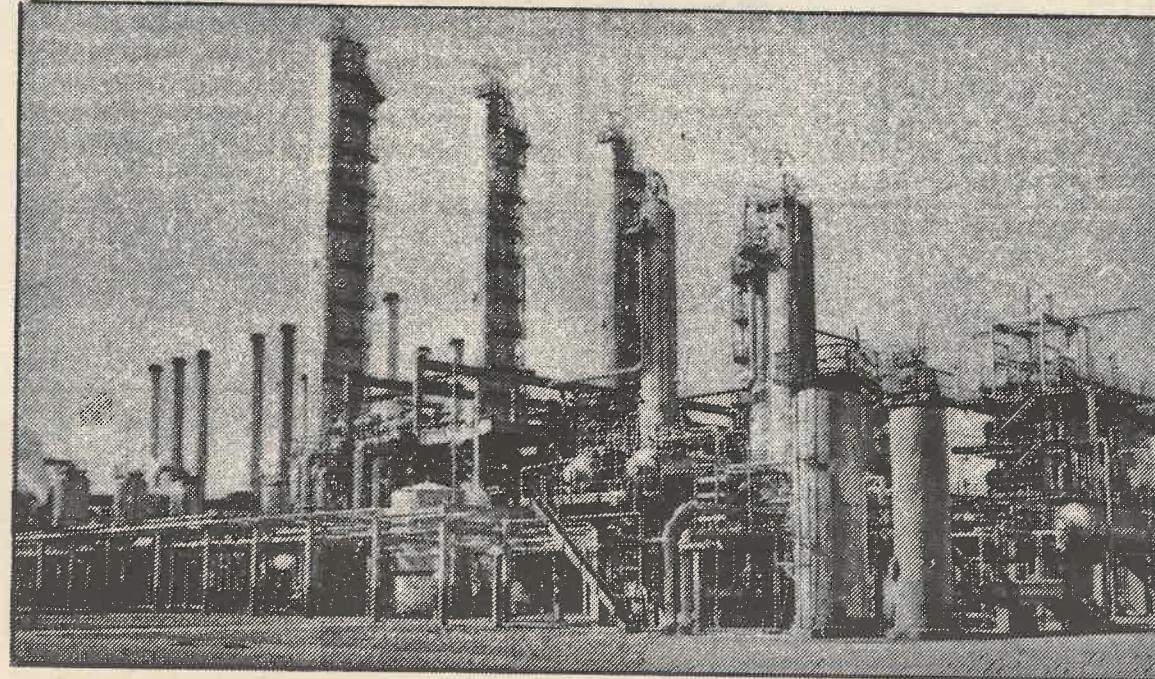
**Around what issues do the protests usually take place? And, generally, how do you see the prospect for these protests? Tell us about the struggles in the oil industry.**

Workers talk among themselves about building labour organisa-

## Lack of labour organisation - Iranian workers' first problem

**Interview with Kaveh Assadi**

**Kaveh Assadi has been a long-time worker at the oil industry in Iran. In a recent trip abroad, he talked to our co-worker Shahla Daneshfar about a number of issues facing the workers in the oil industry. Excerpts:**



tions, about the right to strike, about electing their genuine representatives; they want the Islamic Societies abolished... At the same time they call for wage increases to keep up with the real rate of inflation, shorter working hours, and payment of the outstanding allowances. Another demand which has been more talked about in worker circles in the last few years is supervising the work of the management. But, as I said, the main problem is the absence of independent labour organisations, which has really disarmed the workers. Let me give you an example.

Last year there was a strike in the oil industry for higher wages. The organisers prepared for the strike in good time, with necessary co-ordination and taking security precautions in their contacts with the other refineries. In all the worker gatherings it had been decided that a hunger strike would be held, plus the fact that no work was to be done when we arrived at the workplace.

A few days into the strike, the factory's Islamic Society began its activities. They were trying to identify the strike leaders. So they insisted that workers' representatives come to them and put forward their demands. But this was rejected by the workers. They wanted to know "who they were dealing with: was it the Oil Industry or the Labour Ministry?". Later, Agha-zadeh, the oil minister, appeared on TV and said: "I have a workforce, some of whom are blue-collar workers and some are white-collar employees. I am responsible for pay increases for the white-collar staff. But the workers come under the rules of the Labour Ministry".

As the strike in Tehran and in some other cities escalated, new demands took shape, such as forming a workers' council and the right to elect representatives. Unfortunately, the plant's security officials summoned a meeting and, creating a climate of fear and in-

timidation, threatened the workers that they should accept whatever they were saying. After this meeting, a number of workers were arrested.

In this strike the workers suffered from being in diverse work categories. At the end of the strike, the management of the oil industry pulled out the so-called "white-collar" plan, i.e. making workers change their employment terms from blue-collar to clerical as the precondition for getting a wage rise. In this way they managed to break the unity of the ranks. That plan was not accepted by the older and experienced workers, but the younger workers had to accept it, since, otherwise, they would not get their employment notices.

The management also took advantage of the fact that the food stamps workers used to get has been cut since a few years back. To make workers waver in their rejection of the plan, they started giving food stamps to the clerical employees.

In my view, the strike was well-planned and organised. We knew that eventually they would come down on us. But what was notable about the strike was the fact that, firstly, it made the government more careful later in the minimum-wage increase for the coming year; and, secondly, our action was accompanied by the minimum of arrests and physical confrontations. The strike had a remarkable impact on the younger workers in terms of boosting their confidence. They saw in practice that you can strike and speak out your demands.

**The government never set up Islamic Councils in the oil industry. What was the reason for that do you think?**

Generally, as the privatisations have progressed, the Islamic Councils have faded. Islamic Councils were basically non-existent in key industries. I think the Islamic re-

gime of capital so dreaded the rise of any form of protest in these key industries that it was unwilling to let in even bodies like Islamic Councils. That's why you didn't have Islamic Councils in the oil industry either. At the moment, the Islamic Councils in some of the factories and workshops have kept up appearances, but they don't have the necessary executive powers. In their attitude to labour protests, they always call workers to calm and have the function of spying on them. I should also mention the attitude of Workers House (centre for Islamic Councils and Societies) to the oil workers' strike.

Whenever workers are involved in some protest action, Workers House issues a communiqué or something and asks workers to come and join up as members, and present their grievances. They did exactly the same thing in the oil workers' strike. But the workers said, If you mean what you say, go and print the news of our strike and our demands in your paper. After a few days, they carried a brief and incomplete mention of the strike, together with lots of praises thrown in honour of the president and the Islamic Republic. They also sent their Rules to the workers. But after seeing them, the workers said that they were just government Rules and that the Workers House was in reality a "government house", essentially there to approve of the Islamic Republic and ruling organs. They talk about "ideological classes" and English lessons, but there is not a word about workers' rights.

### In the persian Section

In addition to the articles published in the English section, the Persian section of this issue contains the following main articles:

- Condition of Women in Turkey- Interview with an activist of the women's movement
- Pregnancy, a problem for women workers ■ Revolution in Unions - The Platform of Pacifism and the Methodology of the Academic Left ■ A Report from the Strike by Ford Autoworkers in Mexico in 1990 ■ The General Conditions of the Mexican Labour Movement- Interview with Dan Labotz
- Struggle for Right to Strike in Morocco
- The Declaration of the Foundation of the Union of Workers in Private Workshops in Iraqi Kurdistan ■ Round

Table Discussions of Leaders of the Union of the Unemployed in Iraqi Kurdistan- On Inner Disagreements in the Union ■ Pressure Mounts for the Expulsion of Afghan refugees from Iran ■ A report from Pars Electric Factory, Iran ■ 20 Thousand Workers Are Injured Every Year in Workshop Accidents in Iran ■ Two Currents in the 30-hour Movement in Denmark ■ Arabic and Kurdish Editions of Worker Today ■ Letter To The Editor: Yesterday's Non-Worker Radical Left and the Today's Backwardness.

The international and Iranian workers' news are published in more detail in the Persian section

ISSN 1101-1516

Worker Today  
نشریه انترنامیون تایپیکس فارسی

WORKER TODAY

Editor: Reza Moqaddam

English Section: Bahram Soroush

Address: W.T., Box 6278, 102 34 Stockholm, SWEDEN

Fax: (46) 8 - 5202725

### Subscription Form

I would like to subscribe to Worker Today for a period of

Six months

One year

Please send my Worker Today and bills to the following address:

Mr/Ms/Institution \_\_\_\_\_

Address \_\_\_\_\_

Postcode \_\_\_\_\_ City \_\_\_\_\_

Country \_\_\_\_\_

#### Subscription Rates

Europe

1 Year SKr140

6 Months SKr80

Elsewhere

1 Year SKr210

6 Months SKr120

■ Institutions double the rate.

■ All prices include p.p.

# Resisting wave of job cuts in Iran

Mostafa Saaber

Since March 92 (start of the Persian new year), a wave of mass job cuts has begun in Iran. This is the third biggest wave of job losses in the last 15 years. And it is taking place in a country where only one out of six or seven has a job.

The first large-scale wave of job cuts took place in 1978-79 when as a result of the economic crisis and the onset of the revolution many industrial projects, and production in some factories, came to a halt.

The next wave came seven years later, in 1985-86, when as a result of the reduction in government's foreign reserves from oil sales, the ravages of the Iran-Iraq war, and the uncertainty of western investors about investment in Iran, many plants were unable to obtain raw materials and spare parts. This wave of job cuts was much larger than previously and hit many of the workers employed in large industrial factories.

Now, six years on, a third wave of lay-offs has begun, and already taken its toll among thousands of workers of the smaller industries. But as one can tell, this is just a prelude to much larger job cuts: Ne'mat Zadeh, the minister for industries, said last summer: "If the government fails to give factories certain reliefs within a month, the country's industrial production will be cut by half". A meeting on 4th of July 93 heard that just in the northern province of Gilan 55 production units, employing tens of thousands of workers, were on the brink of shut down. In the Central Province 90 production units are facing either complete stoppage or reduced production. The management of Isfahan Steelworks has said that an overhaul of the plant will make 20,000 of the 30,000 workers redundant! The

Melli Shoe factory has announced that 4,000 of the 12,000 workers there are in "surplus". The Iran-Khodrow (formerly Iran-National) auto company has put the number of "surpluses" at 1,000. Most of the textile industries have faced a stop, or a fall, in production. The number of factories where the workers have not been paid for months is rising on a daily basis. Even the state newspapers are having to report about them.

## Working Class the Victim

The 1992 lay-offs have deep economic reasons. Termed by the government "moderation" or "policy of manpower moderation", they are explained in terms of industries' "cash flow problem". This "cash shortage" is in turn a result of the adoption of a single exchange rate, which came into force

from the beginning of the new year.

As far as the financial difficulties of the industries are concerned, the point to note is that the government has stopped the subsidy it used to give industries in the form of an official exchange rate (70 rials/\$) and a competitive one (800 rials/\$). Now all industries, most of which are in government ownership, have to buy dollar at market rates (nearly 1,800 rials/\$, if bought from banks, and over 2,200 rials/\$, if bought in the open market). The government used to give the subsidy essentially by drawing on the oil revenue. But the state itself is now bankrupt. It has a 30 billion-dollar foreign debt, and has failed to meet some of the installments.

But the financial difficulty is only the form of expression of another, underlying problem. Iranian industries are for the most part technologically backward compared to the international average and their competitors. For instance, the textile industries, which employ about 250,000 workers, operate a technology that is 40 years old. In the absence of state subsidies, it is almost impossible for such indus-

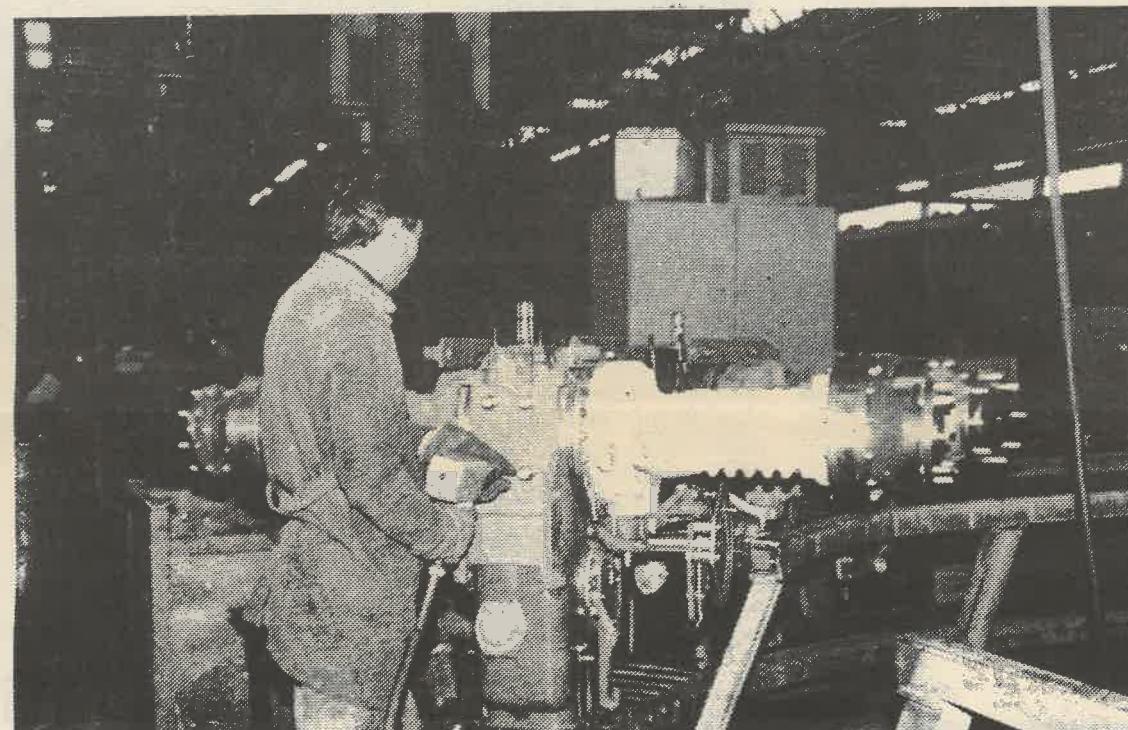
tries to compete and survive.

Capitalism needs "renovation" and "restructuring" - the government in Iran too has made this a declared aim of policy. But the main victim of renovating capitalism in Iran is the working class. Imposing the lowest possible living standards on workers is the key condition for implementing this renovation. The lay-offs since March 92 are the first step in this pauperisation of the working class.

## Unemployment A Chronic Problem

The 1992 lay-offs have begun at a time when, according to official statistics (1986/87), 14.2% of the total workforce are out of work. Of course, the figure does not include disguised unemployment and those people who survive on casual labour or are seasonally unemployed. The important point is that Iran's population is very young, and has a growth rate of over 3%. This means that every year two million more people enter the labour market. And this is at a time when even the present job capacity is rapidly in decline.

As far as protective legislation



# Building international labour solidarity

**Interview with Fateh Bahrami, coordinator  
Iranian-Canadian Labour Solidarity Committee**

**The following interview originally appeared in the Persian section of Worker Today, no.28, Sep.92. Here we publish excerpts from this interview.**

**Worker Today:** Tell us about the goals of the Iranian-Canadian Labour Solidarity Committee and how you began your work.

**Fateh Bahrami:** The committee was formed about two years ago. Until that time no labour activity had been done by Iranian activists in Canada. The committee was built by a number of communist activists here. Although this committee is the organisation of a specific activity and campaign of international solidarity, labour activi-

ty [by Iranian immigrants] in Canada began in a sense through this committee, and initiated a tradition. This was an important achievement for us.

The committee has set itself specific aims. One of our goals is to inform the workers in Canada about the condition of workers in Iran, their lack of basic rights, the problems and issues facing them, and their tradition of struggle. Another objective is to strengthen the solidarity between the working class in Canada and Iran. The committee also tries, according to its abilities, to strengthen the Canadian labour movement and encourage more people to become involved in it.

**What changes have you accomplished so far?**

I'll just mention a couple of major points. In the beginning of our activities, I'd sometimes come

across people who, even though generally well-informed about labour movements around the world, didn't have a notion of Iran as a country with capitalist relations and a working class numbering into millions that is savagely exploited and repressed. For example, someone even told me that he had only heard of the Shah and Khomeini about Iran! But now with the many contacts that we have formed and the numerous letters we have sent, and particularly through a wide circulation of the committee's paper (*Labour Solidarity*), we have succeeded, to our ability, to inform about the situation of the working class in Iran. The awareness that has been created is reflected in the resolutions and letters of support that are given out. This is the biggest change that has been made.

And, as I just mentioned, a tradition of involvement in labour activities here by Iranian communists and labour activists has begun, which is an irrevocable progress.

**What has been the role of the paper *Labour Solidarity*?**

We started publishing *Labour Solidarity* some time after forming the committee. It has appeared regularly and is distributed among labour activists in 2,000 copies. Much of this distribution is done through labour activists and unions themselves. It has played an important role in informing the labour activists in Canada about the condition of Iranian workers - in terms of the news of the labour struggles, the main demands, the difficulties they are facing, and issues such as the labour law and Islamic Councils. The paper has also tried, as far as it could, to report the news of workers' struggles in Canada. It has carried interviews with Canadian labour activists, and encouraged Iranian immigrants to get involved in and support the Canadian labour movement.

## In which cities are you active?

The committee's activists are active in most of Canada's major cities: in Ottawa, Montreal, Vancouver, Calgary, and Edmonton. But our main activity has been concentrated to Toronto and London. Particularly in these cities we have very close contacts with labour activists and unions.

against unemployment is concerned, Iranian workers have no significant security. A law on unemployment insurance was passed in 1987, only reflecting the Islamic government's fears of the growing protests against the lay-offs. This law gives no safe-guards against unemployment, its only purpose being to gag workers and stop them protesting.

From 1987 to 1990 (the trial period of the law) only 25,000 workers out of the millions who are jobless were entitled to unemployment benefit; and this was only for short periods (several months) and insignificant in amount. This is the situation at a time when the Unemployment Insurance Fund organisation has accumulated huge sums out of the insurance contributions that employers have to pay (3% of the payroll).

## No Right to Organise or Protest

So workers can hope to stand up to the wave of mass lay-offs, soaring prices, abolition of subsidies and falling standard of living only by a continuous fight back. But even here they are up against massive odds. The laws of the Islamic Republic regime do not recognise any right for workers to freely organise and strike. The only recognised legal organisations are the state-made Islamic Councils. With regard to the recent job cuts, these Islamic, pro-government organisations call for "protection for home industries and a stop to unrestricted imports". Apart from the fact that this is the slogan of the backward sections of the Iranian bourgeoisie and has nothing to do with workers' interests; it is also impossible to implement in practice. This is a slogan that the previous Islamic governments in Iran have also tried to implement, without any success. Its usefulness today for the Islamic government and the bourgeoisie in Iran can only be that it diverts workers' attention from their genuine demand of unemployment benefit for everyone over the age of 18 who is ready for work.

**What are your plans for the future work of the committee? How do you see the prospects for the work of solidarity committees as such?**

Our plans should realistically reflect our situation.

The committee should extend its activities. For instance, it ought to increase the circulation of the paper, hold conferences and seminars with Canadian labour activists on the condition of workers in Iran; it should more than before involve the labour activists from Iran who are now in Canada in the activities I mentioned. Another very important point is to coordinate the work of the committee with the work of similar committees in other countries in order to build solidarity on an international level...

It is also necessary to set specific aims in putting pressure on the Islamic Republic, and in defence of worker rights in Iran. Calling for the expulsion of Islamic Councils from the ILO, exposing the Islamic Republic labour law, and working to have the right to organise and strike recognised for the workers in Iran, are among the most important issues.

Issued monthly  
in Persian, with  
a supplementary  
English section

Double Issue - 24 pages

# WORKER TODAY

An Internationalist Worker's Paper

Sweden	SKr14
Denmark	DKr15
Germany	DM3.5
Britain	£1.5
France	FF14
USA	US\$2
Canada	C\$2.5
Other non-European	\$2.5

Page 24, Vol.4, Nos.45&46, March/April 1994

صفحه ۲۴، سال چهارم، شماره ۴۵ و ۴۶، اسفند ۷۲ و فروردین ۱۳۷۳

## IN BRIEF

### France

The CGT walked out of negotiations with Air France's management, rejecting a new plan which includes an increase in working hours from 38 to 39 for ground staff, a three-year wage freeze, and 5,000 job cuts. The union said it would consult its members to decide a final position. Force Ouvrière, the largest union at Air France, has indicated support for the plan, according to the *Financial Times*.

### Germany

OTV, Germany's largest public sector union, and IG Metall accepted pay rises below the rate of inflation, projected at around 3% this year. The OTV deal is to run for 15 months. Meanwhile, about 400,000 workers, members of the print union IG Medien, staged warning strikes across the country.

### Britain

British miners marked the 10th anniversary of the great miners' strike by a march and rally in South Yorkshire. NUM president Arthur Scargill paid tribute to David Jones and Joe Green, the two miners who died on picket duty in the year-long strike. He said they'd paid the "ultimate price" in defence of the miners' industry, jobs and communities.

### Spain

The number of people out of work in Spain rose by 630,000 last year, bringing the unemployment rate to 23.9% by the end of December - according to a labour survey by the national statistics institute.

**Taken rise in national minimum wage in Iran:**

## A call on workers to battle

**Labour minister:**

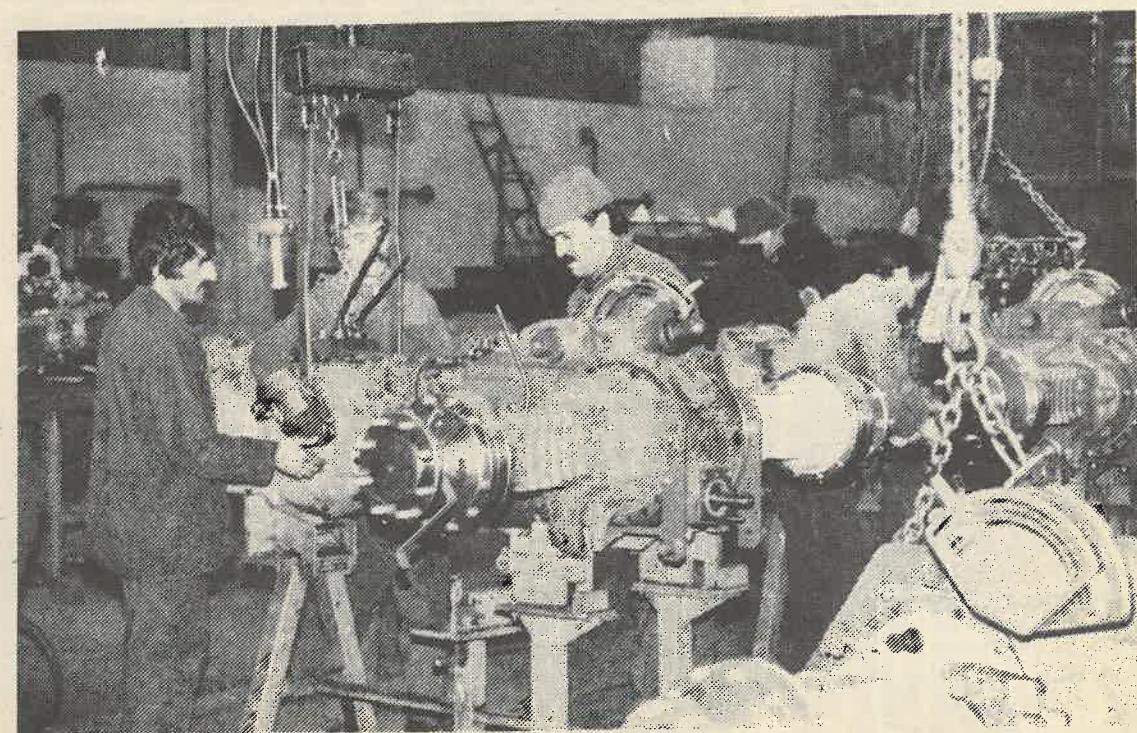
• Workers' income covers only 25% of essential expenditure

• Japanese wages 30 times those in Iran

### WT News Service:

A meeting of the Supreme Council of Labour of the Islamic Republic on 12th February raised the minimum wage for the next year (Persian calendar of 20 March 1994 to 20 March 1995) by a token 22.8%. Earlier, even the pro-government Islamic Councils, following the wide-spread dissatisfaction and protests in the workplaces, had called for an increase of around 300%.

The pettiness of the increase was admitted by the Islamic Republic's labour minister, Hussain Kamali, himself when he told a meeting of managers from the food industry that, "The workers' current income covers only 25% of their



expenses". He said: "Under the present economic conditions, the basket of minimum consumer expenditures amounts to 420,000 rials [\$170], while the workers' minimum wage is estimated to be between 110,000 and 130,000 rials [\$44 and \$52]." - reported in the daily *Resalat*, 19/2/94. It should be noted that many essential items are excluded from this "minimum basket".

Also, replying to the complaints

of one of the managers about Iranian workers' "low productivity", Kamali said: "At the moment the minimum wage of workers in Iran is around \$2, while the employers in production sectors expect them to have a \$70 productivity! So, comparison with productivity in Japan and with wage levels in Singapore is not an experts' comparison... If labour productivity in countries such as Japan is several times that in Third World countries

like Iran, instead, Japanese wages are about 30 times those in Third World countries".

Finally, in reply to the complaint of one of the managers that the existing labour law by reinstating fired workers greatly reduced productivity in factories, he said: "So far, around 90,000 cases of dismissed workers have been processed. In 72,000 of these cases the ruling has been in favour of the employers!"

## Russian miners strike over delayed wages

### WT News Service:

More than 30,000 coal miners took part in strikes across Russia's coal regions to protest delays in payment of wages. The strike wave subsided, however, as miners began to receive pay overdue from December and January.

According to the *Financial Times*, thousands of workers were still on strike by mid March. Some unions said they might add political demands to their economic

grievances. They are also calling for \$7bn in state support for the debt-ridden industry. Union leaders were to meet later to decide on any further action.

In February the coal miners staged stoppages in the Arctic region of Vorkuta and in the Kuzbass coal basin. Oil workers in the Tyumen oil-producing region also had voted for a strike over delays of three months in the payment of wages.

• Lack of labour organisation - Iranian workers' first problem

Interview with Kaveh Assadi p.22

• Resisting job cuts in Iran p.23

• Building international labour solidarity Interview with Fateh Bahrami p.23

## To Our Readers:

Please note that starting from the next issue *Worker Today* will be published without the Supplementary English Section. The English section will instead be published as a separate all-English quarterly.

